

رویکرد دینی به نهادهای مدنی

آیت الله العظمی محمد یعقوبی دام ظلّه

ترجمه و نگارش

جواد سالمی

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۲
پیش درآمد	۵
فصل اول: تعریف و تاریخچه نهادهای مدنی	۶
تعریف نهاد مدنی	۶
انواع سازمان های مدنی	۶
تاریخ پیدایش تشکل های مدنی	۷
جامعه مدنی	۸
تاریخ پیدایش	۸
تعریف و مفهوم جامعه مدنی	۹
جامعه مدنی و جامعه اسلامی	۱۱
جامعه مدنی و دیدگاه متفکران اسلامی	۱۲
قلمرو فعالیت نهادهای مدنی	۱۳
تامین مالی نهادهای مدنی	۱۳
هدف از تاسیس نهادهای مدنی	۱۴
عوامل موفقیت نهادهای مدنی	۱۴
ویژگی های تشکل های مدنی	۱۵
نهاد های مدنی در جوامع دینی	۱۶
آثار نهادهای مدنی در جامعه	۱۶
سرمایه اجتماعی و تهدیدات	۱۸
عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی	۱۹
اسلام و نهاد های مدنی	۱۹
احسان و نیکی به همنوع	۲۱
تعاون و همکاری گروهی	۲۳
انسجام روابط اجتماعی	۲۵

نظارت و مسئولیت همگانی.....	۲۷
فصل دوم: ضرورت و هدف از تاسیس نهادهای مدنی	۲۸
تمدن سازی تنها با تاسیس نهادهای مدنی.....	۲۸
نقش نهادهای مدنی در زندگی اجتماعی	۲۹
عوامل موفقیت نهادهای مدنی در کسب اعتماد جامعه	۲۹
مسئولیت نظارت در اسلام.....	۳۰
تمدن و پیشرفت در سایه اسلام.....	۳۱
در راه شدن.....	۳۲
۱- کارگاه ارتقاء و پیشرفت اجتماعی.....	۳۳
۲- انجمن مرکز الیتیم.....	۳۳
راهکارهای لازم برای پر ثمر بودن نهادهای مدنی	۳۳
۱) تدوین آیین نامه	۳۴
۲) سازمان اداری	۳۴
اهداف نهادهای مدنی.....	۳۵
اولویت نهادها، شناسایی و درمان فرهنگ بیمار جامعه	۳۷
اسلام و دعوت به جامعه مدنی	۳۸
انگیزه های دینی در راه اندازی نهادهای مدنی	۳۸
فراخوان عمومی برای تاسیس نهادهای مدنی.....	۴۲
مرجعیت دینی و تاسیس نهادهای مدنی با رویکردی اسلامی.....	۴۲
خبره بودن رهبر اسلامی.....	۴۳
ویژگی های رهبری دینی	۴۴
احیاء نقش اتحادیه ها و اصناف در زنده نگهداشتن امت اسلامی	۴۵
فصل سوم: تامین مالی و اقتصادی نهادهای مدنی	۴۶
کار و کسب در اسلام.....	۴۶
تجارت و کارهای آزاد، بهترین راه کسب و درآمد	۴۷
روش امامان ع در کسب درآمد	۴۹
انفاق عنصر زمینه ساز فعالیت سازمان های خیریه	۵۰

۵۰	تشویق به انفاق در راه خداوند متعال.....
۵۱	معنای انفاق.....
۵۲	مشکلات عصر ما، و راه حل ها.....
۵۳	فعال کردن بخش خصوصی.....
۵۴	پیشرفت در سایه ی بخش خصوصی.....
۵۶	فصل چهارم: نهاد های مدنی تاسیس شده.....
۵۶	۱- انجمن و اتحادیه های ویژه بانوان.....
۵۶	موسسه آموزشی علوم دینی الزهرا س.....
۵۷	انجمن بنات المصطفی.....
۵۷	۲- کانون سادات علوی.....
۵۹	۳- انجمن جامعین (دانشگاهیان).....
۵۹	۴- اتحادیه مهندسين اسلامى.....
۶۰	۴- سازمان کل نهادهای مدنی(همم).....
۶۱	منابع.....

بسمه تعالی

مرجعیت شیعه پس از غیبت امام عصر عج بر اساس نیاز شیعیان به منبعی برای تبیین تکالیف شرعی-فقهی شکل گرفته است. این جایگاه در سیر تاریخی خود، بسط و گسترش یافته، و در تعامل با دیگر موجودیت‌های اجتماعی، نقش‌های اجتماعی و سیاسی را نیز عهده دار شد. مفهوم مرجعیت، به شکلی که امروزه رایج است، محصول این سیر تاریخی است. در دوران معاصر مرجعیت شیعه وارد صحنه جدیدی شد و تئوری اداره جامعه بر اساس آموزه های دین مبین اسلام را مطرح ساخته و در صدد برقراری آن نحو از مدیریت و حکومت می باشد و برای رسیدن به این هدف از تمام ظرفیت ها و امکانات موجود استفاده می کند. کتاب حاضر در راستای همان اندیشه یعنی مدیریت و اداره جامعه اسلامی بر اساس تعالیم دینی می باشد. در این مکتوب به جایگاه و نقش و کارکرد نهادهای مدنی با نگاه دینی پرداخته، و در صدد بیان دیدگاه اسلام به تشکل های مردمی، تدوین گشته است. نوشتار پیش رو، از چهار فصل تشکیل شده، فصل دوم و سوم کتاب، حاصل ترجمه کتاب (منظّمات المجتمع المدني، بصبغة اسلامية) که برگرفته از سخنرانیها و بیانات آیت الله العظمی شیخ محمد یعقوبی دام ظلّه می باشد و فصل اول کتاب، که به کلیات پرداخته و تعاریف و تاریخچه و مطالب دیگر که لازم دانسته شد را، که حاصل تحقیق و پژوهش مترجم می باشد نوشته شده است و سعی شده که این فصل در راستای تکمیل دو فصل دیگر باشد و در واقع مقدمه ای برای مطالب مطرح شده در دو فصل بعدی قرار بگیرد. فصل چهارم، ملحقات کتاب را شکل می دهد که اشاره به برخی از نهادهایی، که توسط معظم له (صاحب کتاب) راه اندازی شده، پرداخته است.

در ترجمه تلاش شده، متن را که بصورت سخنرانی بود، از لحن خطابی، خارج ساخته، و به قالب جدید کتابی، در آورده شود و از ترجمه مطالب غیر مرتبط و زاید که لازمه فضای سخنرانی ست، پرهیز شود. اکنون که این ترجمه به پیشگاه خوانندگان گرامی تقدیم می شود امید آن می رود که طبع مشکل پسند عزیزان، نتیجه کار را بیسندند و کاستی ها را بر ما ببخشند و امیدوارم که در صورت وجود نقص و نارسایی، آنرا ناشی از صاحب کتاب مبدأ ندانسته، بلکه آنرا نتیجه ی پراکندگی خاطر، و ناپختگی مترجم بدانند.

فصل اول: تعریف و تاریخچه نهادهای مدنی

تعریف نهاد مدنی

در تعریف از نهادهای مدنی تعابیر متفاوتی بکار رفته است اما معنا و مفهوم واحدی دارند و آنچه در این کتاب برگزیده شده است تعریف نهاد مدنی به موسسات غیر دولتی که در راستای ایجاد قابلیت در توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یک کشور یا به تعبیری دیگر به مجموعه تشکلهای و اجتماعات موجود در جامعه که در حد فاصل میان توده شهروندان و حکومت قرار گرفته اند نهادهای مدنی گفته می شود. تعاونیهای روستایی و شهری، اتحادیههای صنفی، باشگاههای ورزشی، اجتماعات محلی و انجمنهای حرفه ای (مانند انجمن اولیا و مربیان) و ... نمونه هایی از نهادهای مدنی به شمار می آیند.

سازمان مردم نهاد، در کلی ترین معنایش، به سازمانی اطلاق می شود، که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی شود، و مشخصه اصلی نهادهای مدنی، غیردولتی بودن آنها و عدم وابستگی تشکیلاتی و مالی به حاکمیت سیاسی و ارگان های دولتی است. اما در عین حال می توانند نقش بسیار مهمی بعنوان واسطه گری بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و یا حتی خود جامعه ایفا کنند.

انواع سازمان های مدنی

از سازمان های مردم نهاد (غیر دولتی)^۱ یا ان جی او^۲ به اشکال و انحای مختلف، در سراسر جهان استفاده می شود. بسیاری از سازمان های مردم نهاد غیر انتفاعی هستند و بودجه این سازمان ها معمولاً از طریق کمک های مردمی، سازمان های دولتی، یا ترکیبی از این طرق مذکور تامین می شود. بعضی از این سازمان ها نیمه مستقل وظایف و کارهای دولتی را نیز انجام می دهند؛ و در مقابل برخی دیگر از این سازمان ها، هیچ علاقه ای به امور سیاسی ندارند؛ این در حالی است که برخی از آنها به منظور تامین منافع اعضای خود صرفاً به لابی گری در دولت می پردازند.

آنچه در اینجا از انواع مراد است فعالیت های تخصصی نهادها می باشد و از این جهت نهادها به انواع بسیار تقسیم می شوند که به بخش مهم و اصلی از آنها اشاره می شود:

الف- در موضوع توسعه محلی، عمران و آبادانی، همکاری در نظم و امنیت عمومی

^۱- Non Governmental Organization

^۲- NGO

ب- در موضوع فرهنگی و اجتماعی، هنری، گفتگوی ملل، ارتباطاتی و رسانه ای

پ - در موضوع ورزشی، مسابقات و مسائل جوانان

ت- در موضوع زنان و کودکان، آسیبهای اجتماعی، توانمندسازی، امدادی، توانبخشی، مهارتهای زندگی

ث - در موضوع امور خانواده

ج - در موضوع بهداشت و درمان، ارتقای سلامت

چ - در موضوع محیط زیست و منابع طبیعی

ح - در موضوع علمی، تحقیقات و توسعه

خ- در موضوع حمایتی، کاهش فقر و نیکوکاری و امور خیریه و اقشار آسیب پذیر

د - در موضوع مذهبی، دینی، تبلیغ و ترویج ارزش های اسلامی

از ذکر بیش از اندازه پرهیز می کنیم زیرا از حوصله این کتاب خارج است و تا باعث رنجش خواننده گرامی نگردد.

تاریخ پیدایش تشکل های مدنی

باید گفت از آنجایی که انسان همیشه در اجتماع بوده و جدای از آن نیست و خود به تنهایی قادر به تامین تمام نیازهای خود نمی باشد و دائما به دیگر هموعان خود نیاز داشته است پس باید رد پای نهادها و تشکل های مدنی هرچند بصورت ابتدایی را در دوران پیدایش بشر جستجو کرد زیرا برخی از نیازها با فعالیت های فردی محقق نمی شوند بلکه باید مجموعه ای از انسان ها با تفاهم و توافق بر انجام کاری معین و با همت و اراده جمعی از عهده ی آن بر آیند همانند: سد سازی. هر چند که انجمن های مردمی در سراسر تاریخ وجود داشته اند، اما سازمان های غیر دولتی اغلب به این منوال که امروزه، بویژه در سطح بین الملل دیده می شوند، در دو قرن اخیر توسعه یافته اند. و بر خلاف سیستم های اجتماعی اولیه که در نتیجه آداب و رسوم و عادت های اجتماعی بوجود آمده اند سازمان های جدید، از پیش طراحی شده و آگاهانه برای کسب هدف های مشخصی ایجاد می گردند^۳. طبق آمار امروزه تخمین زده می شود که تعداد سازمان های غیر دولتی در جهان، در اواسط دهه ۱۹۹۰ به ۳۰۰۰۰ رسیده باشد، و اکنون با

۳- جامعه شناسی سازمانها - دکتر آرین قلی پور صفحه ۲۷.

احتساب تشکل های غیر دولتی فعال در سطح محلی و ملی تعداد آنها باید حدود ۳۰۰۰۰۰۰ تخمین زده می شود^۴.

یکی از اولین سازمان های غیر دولتی عصر جدید، صلیب سرخ جهانی است که در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد^۵. امروزه نهادهای غیر دولتی در سطح جهان روز به روز در حال افزایش هستند و در سطح بین المللی هم فعالیت گسترده ای را انجام می دهند و حتی سازمان بین الملل از نظرات مشورتی این نهادها استفاده می کند^۶. در بسیاری از کشورها این سازمان ها بخش عمده ای از فعالیت های بخش خصوصی را به خود اختصاص داده اند و در این زمینه موفقیت های چشمگیری را بدست آورده اند.

برای اینکه بیشتر با مفهوم نهادهای مدنی آشنا شویم ناچار از آنیم که بستر و خواستگاه این اصطلاح در دوران معاصر را مورد مطالعه قرار دهیم و اینکه در طی چه فرایندی و در قالب چه موضوعاتی بوجود آمد را در ذیل با مطرح کردن موضوع جامعه مدنی به آن می پردازیم.

جامعه مدنی

طرح موضوع جامعه مدنی در این مکتوب بدین مناسبت است که موضوع نهادهای مدنی در عصر جدید در مباحثی از قبیل جامعه مدنی، قرارداد اجتماعی و اندیشه های سیاسی معاصر مطرح می شد و برای اینکه خواننده گرامی با مطالعه ی این قسمت از کتاب، تصویری هرچند مجملی از خواستگاه و بستر و فضایی که این مباحث در آن پدید آمده را داشته باشد و با نظریات و آراء برخی از اندیشمندان در این عرصه آشنا گردد لذا این موضوع را در ذیل بحث (تاریخ پیدایش تشکل های مدنی) مطرح و گنجاندیم.

پیشینه تاریخ

برخی پیشینه تاریخی اصطلاح و مفهوم جامعه مدنی را به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح بر می گردانند و می گویند اولین جوامع مدنی در میان جامعه شورایی سومری ها در بین النهرین با پیدایش اولین پولیس (Polis) که ترجمه فارسی آن دولت - شهر است، محقق گردید^۷. برخی دیگر معتقدند

^۴- به نقل از کتاب: جامعه شناسی سازمان های غیر دولتی زنان- ص ۱۴۳.

^۵- کمیته بین المللی صلیب سرخ انجمن و سازمان غیردولتی انسان دوستانه است که مقر اصلی آن در شهر ژنو سوئیس است. ایده تأسیس این سازمان پس از جنگ داخلی ایتالیا در سال ۱۸۵۹ توسط یک سوئیس به نام ژن هنری دونان مطرح شد و سپس در سال ۱۸۶۳ با همراهی چهار نفر دیگر بنیان گذاری شد. کمیته بین المللی صلیب سرخ یکی از اعضای نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر است. نهضت جهانی صلیب سرخ، یک سازمان بین المللی است که وظیفه کمک رسانی به افراد آسیب دیده از حوادث طبیعی و ساخته دست بشر را در سطح جهان برعهده دارد. www.rcs.ir

^۶- جامعه شناسی سازمان های غیر دولتی زنان- ص ۱۴۵.

^۷- www.andisheqom.com.

افلاطون نخستین کسی بود که از جامعه مدنی یاد کرد و مدینه فاضله خود را به آن نام گذاری کرد.^۸ گروهی دیگر بر این باورند که ارسطو اولین بار واژه جامعه مدنی را به کار برد^۹، و جامعه مدنی خود را به دولت در مقابل خانوار تلقی کرد. برخی نیز می گویند ارسطو همچون افلاطون به مدینه فاضله خود نام جامعه مدنی نهاد اما در عصر جدید به قرن هفده و هجده میلادی بر می گردد.^{۱۰}

تعریف و مفهوم جامعه مدنی

مفهوم جامعه مدنی از ابتدای پیدایش آن، یعنی از دولت شهرهای یونان تاکنون، تطورات و تحولات معنایی فراوانی داشته است. به عنوان مثال این مفهوم در نگاه ارسطو و در نظریات و اندیشه های اصحاب «قرارداد اجتماعی» مفهومی معادل با دولت دارد. در نظر برخی دیگر جامعه مدنی بر محور اقتصاد تشکیل می شود.^{۱۱} در نزد برخی از اندیشمندان نیز این مفهوم حد واسطه خانواده و دولت است. اما مفهوم مهم و متداول جامعه مدنی که امروزه بر زبان بسیاری جاری است، مربوط به دوران مدرن است، و دارای معنایی متفاوت با معانی قبلی است. در این معنا جامعه مدنی معادل با نهادهای واسطه و میانجی میان مردم و دولت است. جامعه مدنی در مفهوم غربی و در معنای اخیر در واقع مبتنی بر مبانی مدرنیته و مدرنیسم است.

در دوران معاصر موضوع جامعه مدنی و مباحث پیرامون آن در صده هفتاد میلادی در غرب پدید آمد و در آن برهه مراحل تکاملی خود را طی کرد اصطلاح مذکور در زبان فارسی برابر (Civil Society) انگلیسی است واژه (Civil) مشتق از واژه لاتینی (civis) می باشد که در دوره باستان به مفهوم جامعه شهروندان به کار می رفت.

این مفهوم همانند بسیاری مفاهیم دیگر همچون آزادی، تلقی ها و تعریف های مختلفی از آن شده است. جامعه مدنی واژه رایج در قرن هجدهم است که بعد از معرفی و توضیح "نظریه قرارداد اجتماعی" که از سوی برخی از اندیشمندان غربی مطرح شد وارد مباحث و اندیشه های سیاسی شد و دلالت بر وضعی از جامعه دارد که در آن آدمی از حالت طبیعی (یعنی پیش از درآمدن در زیر قدرت و حکومت و قانون) خارج شد و با دست کشیدن از آزادی های طبیعی و عمل آزادانه، به دولت و قانون گذاری گردن نهاد.^{۱۲}

^۸ - جامعه مدنی Civil Society - نویسنده : قاسم کرباسیان.

^۹ - ارتباطات برهانی بنیان فرهنگ و جامعه فاضله در علم مدنی فارابی - اصغر اسلامی تنها.

^{۱۰} - دایره المعارف دموکراسی ج ۲ ص ۵۲۳ - کامران فانی و نورالله مرادی.

^{۱۱} - جامعه مدنی Civil Society - نویسنده : قاسم کرباسیان.

^{۱۲} - شریف لک زائی - دوهفته نامه شرقیان.

در تعریفی دیگر از جامعه مدنی می‌خوانیم: "جامعه مدنی مجموعه تشکلهای صنفی، اجتماعی و سیاسی قانونمند و مستقل گروه‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی است که از یک طرف تنظیم‌کننده خواست‌ها و دیدگاه‌های اعضای خود بوده از طرف دیگر منعکس‌کننده این خواست‌ها و دیدگاه‌ها به نظام سیاسی و جامعه جهت مشارکت موثر در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی است." جامعه مدنی چون برخاسته از عرصه اجتماع است، از عرصه قدرت اجتماعی بهره‌مند است و دولت، عرصه قدرت سیاسی را در اختیار دارد و این قدرت آمرانه است. جامعه مدنی در واقع به این معنا است که دولت، تنها تصمیم‌گیرنده نباشد و عرصه اجتماعی که همان نهادهای برآمده از مردم و غیروابسته به دولت است نیز در امر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند.

در یک جمع‌بندی که از سوی پژوهشگران درباره جامعه مدنی به عمل آمده است، به سه مفهوم عمده جامعه مدنی در اندیشه غربی در طول حیات آن اشاره شده است: مفهوم اول به عنوان وضعیتی که پیش از تکوین دولت وجود داشته است. این مفهوم اساس اندیشه قرارداد اجتماعی بوده است. در این مفهوم جامعه مدنی پیش از پیدایش دولت وجود دارد و دولت محدودیت‌هایی بر فعالیت آن وضع می‌کند. دوم به عنوان وضعیتی در مقابل دولت که آن را می‌توان در اندیشه‌ای که جامعه مدنی را به عنوان عرصه مبارزات طبقاتی در مقابل دولت قرار می‌دهد. سوم به عنوان وضعیتی که پس از زوال دولت پدید می‌آید. این مفهوم در اندیشه‌های آنارشیستی رایج بوده است که جامعه مدنی را جانشین دولت در آینده تلقی و به نفی دولت حکم می‌کردند.

پاره‌ای از صاحب‌نظران برای تعریف و توضیح جامعه مدنی به مولفه‌های دیگری اشاره کرده‌اند از جمله در یک دیدگاه، جامعه مدنی در برابر جامعه بدوی فرض شده است. از این منظر، جامعه بدوی جامعه‌ای است که آدمی در آن خودسر است؛ یا این که انسان در آن به نحو طبیعی زندگی می‌کند و یا این که جامعه‌ای است که آدمیان در آن به نحو وحشی زندگی می‌کنند و نامتمدن هستند. در مقابل، در جامعه مدنی، انسان‌ها متمدن‌اند و از حالت طبیعی به حالت مصنوعی درمی‌آید و از حالت خودسری به نظم میل پیدا می‌کنند و مطیع و متادب به آداب و مضبوط به ضوابط معیشتی می‌گردند.

دو تعریف از جامعه مدنی به طور عام وجود دارد. نخست اینکه جامعه مدنی به پاره‌ای از تشکيل نهادها و گروه‌های مردمی، که برای تامین اهداف و رسیدگی به امور نیازمندان و یا انجام امور مذهبی، اطلاق می‌شود، دوم اینکه، جامعه مدنی به مفهوم غربی آن در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از حالت قدرت سیاسی است و اغلب به وسیله نهادهائی مثل موسسات خیریه، انجمن‌ها، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها، گروه‌ها، حرکت‌های اجتماعی وائتلاف‌ها را در برمی‌گیرند که در بستر تاریخ فلسفه سیاسی و فرهنگی غرب شکل گرفته و فلاسفه غربی در دوره‌های گوناگون روی این مفهوم نظریه‌پردازی زیادی نموده‌اند. امروزه تعریف دوم مورد توجه و نزاع در ادبیات دینی و سیاسی عنوان می‌گردد.

جامعه مدنی و جامعه اسلامی

مفهوم و تعریف جامعه مدنی و سازگاری یا عدم آن با دین اسلام و آموزه های دینی و مباحث پیرامون آن، در جهان اسلام پس از مدت نسبتاً طولانی، که طبق برخی قرائن در نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه و کنکاش میان اندیشمندان مسلمان قرار گرفت.

در گفتمان متفکران مسلمان با این نظریه به انحاء مختلف روبرو شدند و مواضع متفاوتی را اختیار کردند از آنجایی که یکی از مهم ترین مبانی نظری جامعه مدنی غرب سکولاریسم است که عمدتاً مبتنی بر فرهنگ مادیت و جدایی دین از قلمرو سیاست دلالت دارد و به طور کلی می توان گفت: سکولاریسم نهضت فکری و نظامی است دارای مشخصه هایی از قبیل: جدایی دین از قلمرو دولت، قانون گذاری بر اساس خواست بشر، تاکید بر عینی گرایی و حاکمیت علوم تجربی، حق مداری می باشد و هر چند که شاخص ها و مؤلفه هایی همچون: فرد گرایی، انسانی مداری، عقل مداری، ماشین انگاری، سنت ستیزی، آزادی و تساهل، علم محوری و نفی حاکمیت خدا و طرد ماوراء الطبیعه را برای سکولاریسم بیان کرده اند. و ماهیتی که با اینگونه مؤلفه ها و عناصر تشکیل یافته و یا به تعبیری دیگر از جمع خمیرمایه این مؤلفه ها تشکیل شده است بوجود آمده و این ماهیت با مؤلفه های دینی اسلامی همچون نفی فرد گرایی، نفی عرفی گرایی، ایدئولوژیک بودن دین، فرا دستوری بودن شریعت و... ناسازگار بودن آن پر واضح است.

جامعه مدنی با توجه به این که واژه ای است که از فرهنگ دیگری وارد مباحث سیاسی و اجتماعی شده است، دارای بار معنایی خاصی است که نمی توان بدون جدا ساختن آن بار معنایی، از آن، استفاده کرد. به نظر می رسد عمدتاً طیف سکولار و روشنفکر طرفدار غرب از جامعه مدنی با گستره معنایی ویژه ای که در غرب کاربرد دارد حمایت می کنند.

اما در تلقی دیگری از جامعه مدنی، از جامعه مدنی مدینه النبی سخن گفته می شود. در این دیدگاه با توجه به بار معنایی ویژه ای که در آن نهفته است، به نوعی آن را با عنصر دینی و اسلامی؛ یعنی مدینه النبی مقید می کند و از بار معنایی آن که از بسترها و شرایط تاریخی غربی برخاسته است، می کاهد و آن را با جامعه اسلامی سازگار می سازد. و بنظر می رسد این قبیل اصطلاحات که در عصر و دوران جدید بوجود آمدند هر چند دارای بار معنایی خاص هستند اما به شرط آنکه کاملاً در چارچوب سنت اسلامی به کار بروند کلمات قابل اعتنا و مناسبی برای گفتمان سیاسی مسلمانان باشد. و در فصل دوم از این کتاب در بحث از نهاد مدنی می خوانیم که هر چند این اصطلاح به اعتقاد برخی از صاحب نظران از اصطلاحات جدید می باشد اما در حقیقت از کلمات و اصطلاحاتی می باشد که در فرهنگ دینی معادل یا مصادیق خارجی وجود دارد.

جامعه مدنی و دیدگاه متفکران اسلامی

خواستگاه و بستر پیدایش این اصطلاح و بار معنایی خاص و اهداف متفاوت مورد نظر از طرح این نظریه و دیگر امور، برخی دانشمندان را به رودر رویی و مقابله با این نظریه به میدان کشانده است و آن را بدعت می دانند که مشهور به سنت گرایان دینی هستند و در حقیقت معتقدند جمع میان جامعه مدنی و جامعه دینی، جمع میان دو نقیض می باشد و چیزی جز پارادوکسیکال و تناقض نیست. آنها بر این باورند که مفاهیمی مانند جامعه مدنی و دموکراسی از لوازم عرفی گرایی (سکولاریسم) می باشد و پذیرش آن نقض آشکار قانون الهی و حاکمیت خداوند تلقی می شود.

در مقابل نوگرایان دینی، تضاد را رد کرده و به جمع میان این دو قائل شده و جامعه مدنی غربی را فرایند و نتیجه یک نظریه سیاسی و اقتصادی خاص نمی دانند بلکه حاصل تکامل تاریخی نظریه پردازی های گوناگونی است که با وجود اختلاف نگرشها، بنیان نظری مدرنیته را تشکیل می دهند. به تعبیر دیگر دین برای جامعه، ایدئولوژی یا منبع و مأخذ حقیقی و ارزش است و حال آنکه مدنیت برای جامعه نوعی روش شناسی همزیستی به شمار می آید. می توان جامعه مدنی را، به عنوان روشی در خدمت جامعه دینی به مثابه جامعه ای ایدئولوژیک قرار داد و بدین ترتیب، تنوع و تکثر را در قرائت های دینی به رسمیت شناخت. در این جامعه، انسان از آن جهت که انسان است، مکرم و معزز است و حقوق او محترم شمرده می شود. در نتیجه جامعه مدنی، جامعه مدنی دینی است و جامعه مدنی دینی را دست یافتنی دانسته اند.

گروه سومی از دانشمندان فارغ از نزاعات میان سنت گرایان و نوگرایان دینی به میدان آمده و نگاه سومی را بوجود آورده اند و نگاه عرفی را ملاک قرار داده اند اساساً این طیف شکل گیری و گسترش جامعه مدنی را فرایندی مدرن می دانند که جوامع مسلمان نیز باید به این فرایند توجه نشان دهند و به آن بپیوندند.

سنت گرایان بر مبنای چهار اصل معرفتی، وجود این تناقض را اعلام می دارند: نخست جامعه مدنی دینی، نظریه غیر ایدئولوژیک بودن دین را تقویت می کند. دوم آنکه تکثر گرایی را که شالوده جامعه مدنی است، تایید می کند؛ سوم عرفی گرایی و جدا انگاری دین از مباحث اجتماعی را هدف دارد؛ چهارم آنکه اساساً اسلام با لیبرالیسم تضاد دارد. به هر صورت از نظر سنت گرایان نظریه نوگرایی دینی تصویر بی خاصیت و کم رنگ از دین را به نمایش می گذارد^{۱۳}.

^{۱۳} - محمد ذاکر سروش - دین و جامعه مدنی - سایت خاوران.

این مختصری از بحث جامعه مدنی بود که بدین مناسبت مطرح گردید که خواستگاه و تاریخ و بستر پیدایش موضوع نهادهای مدنی برای خواننده گرامی روشن گردد و برای مطالعه بیشتر در خصوص موضوع (جامعه مدنی) به مکتوباتی که به تفصیل در این مورد مطالبی را به جامعه علمی تقدیم کرده اند مراجعه گردد.

قلمرو فعالیت نهادهای مدنی

سازمان های مردم نهاد برای رسیدن به اهداف گوناگونی فعالیت می کنند و معمولاً در جهت پیشبرد اهداف سیاسی، اجتماعی، و یا فرهنگی اعضا، در حرکت هستند. از جمله اموری که تشکل های مدنی در صدد تحقق آن هستند اموری همچون، وضعیت محیط زیست، تشویق گروه ها و مردم به رعایت حقوق بشر، بالا بردن سطح رفاه و معیشت قشرهای محروم و آسیب پذیر جامعه، یا مطرح کردن یک برنامه های مشترک و دسته جمعی، دینی و مذهبی، کمکهای فوری، و اقدامات بشر دوستانه و غیر آن را می توان مورد اشاره قرار داد.

برخی از این سازمان ها حمایت مردمی و کمک های داوطلبانه را جمع آوری می کنند و برای هدف از پیش تعیین شده مصرف می شود؛ تعداد این قبیل سازمان ها بسیار زیاد است و اهداف آنها طیف وسیعی از موقعیت های سیاسی و اجتماعی را در بر می گیرد. حتی می توان آن را بدون تردید به مدارس خصوصی و سازمان های ورزشی نیز ربط داد. به طور کلی، سازمان های مردم نهاد یک جامعه معین، یا یک کشور و یا جامعه جهانی را در کانون توجه خود قرار می دهند. آنها همچنین روابط قوی و مستحکمی با گروه های اجتماعی کشورهای در حال توسعه دارند و در مناطقی که امکان ارسال کمک های دولتی وجود ندارد، وارد عمل می شوند.

سازمان های مردم نهاد به عنوان بخشی از مجموعه روابط بین الملل پذیرفته شده اند. سازمان های غیردولتی از یک سو بر سیاست گذاری های ملی و چند جانبه تاثیر می گذارند و از سوی دیگر به طور فزاینده ای مستقیماً در فعالیت های محلی حضور دارند.

تامین مالی نهادهای مدنی

سازمان های مردم نهاد، اساساً با تاکید بر ۳ اصل داوطلبانه، غیر انتفاعی و غیر سیاسی تشکیل و تاسیس می شوند. و بودجه سازمان های مردم نهاد معمولاً از راه های ذیل تامین می گردد:

- کمک و هدایای مردمی
- وقف و حبس
- کمک های مالی از سازمان های دولتی و غیر دولتی

• کمک های مالی از سازمان های بین المللی

• وجوه حاصل از فعالیت های سازمان و انجام پروژه در چارچوب اهداف و اساسنامه و آیین نامه سازمان

• حق عضویت در سازمان

هدف از تاسیس نهادهای مدنی

بدیهی است هر موسسه یا بنیاد غیردولتی با توجه به نیاز اعضای خود، موضوع فعالیت مشخصی را پی می گیرد. از جمله موضوعاتی مانند: دین، آموزش، بهداشت، محیط زیست، اشتغال، فرهنگ، هنر، جوانان، کودکان، زنان، سالمندان و یا می توان موضوعات تخصصی و علمی را مورد اشاره قرار داد.

به عقیده برخی از صاحب نظران، تشکل های مردم نهاد به چندین دلیل ممکن است شکل بگیرند که مهمترین آنها:

• اهداف انسان دوستانه.

• احساس نیاز یا تجربه شخصی در برخورد با معضلات اجتماعی.

• دستورات و سفارشات بزرگان در نیکوکاری و حرکتهای انسان دوستانه.

و

عوامل موفقیت نهادهای مدنی

بنظر می رسد که مهمترین عامل موفقیت سازمان، در گرو این است که الگوهای مدیریتی خود را با شرایط محیطی متناسب سازد ایجاد همسویی و سازگاری با محیط را باید اساسی ترین عامل موفقیت دانست زیرا محیط خود در بوجود آوردن سازمان های مشخص نقش حیاتی دارد و باید دانست که محیط حامی، و منابع لازم را در اختیار سازمان ها قرار می دهد و این منابع ممکن است به صورت مواد اولیه، انرژی، نیروی انسانی کارآمد، قوانین حمایتی و مشروعیت محیطی باشد محیط حامی علاوه بر تضمین بقا، به رشد و توسعه سازمان می انجامد^{۱۴}. عوامل دیگری در موفقیت تشکلهای غیر دولتی یا همان نهادهای مدنی وجود دارند که برای ادامه فعالیت خود نیازمند آنها هستند و در واقع این ویژگی ها ضامن موفقیت و حیات و بقای آنهاست در ذیل به مهمترین آنها اشاره خواهد شد.

۱۴- جامعه شناسی سازمانها - دکتر آرین قلی پور صفحه ۳۹۲.

ویژگی های تشکل های مدنی

نهاد های مدنی باید دارای ویژگی های ویژه ای باشند تا بتوانند دوام خود را تضمین کنند و فعالانه، همسو با دیگر جریانات اجتماعی در راستای تحقق آفرینی به اهداف به حیات خود ادامه دهد و دارای نقش شایسته ای باشند این ویژگی ها عبارتند از:

خودجوشی و نیاز طبیعی

تشکل های غیردولتی بنا بر نیاز طبیعی ناشی از شرایط فکری و محیطی، انگیزش ها، خصوصیات و آرمان های مشترک افراد و جامعه به صورت خود جوش به وجود می آیند.

هدف و تعهد مشترک

افراد مؤسس تشکل های غیردولتی دارای هدف مشترک هستند و سایر افرادی که بعداً به عضویت این تشکل ها در می آیند، بر اساس هدف تعیین شده فعالیت می نمایند و نسبت به آن متعهد می باشند. لذا پایداری سازمان غیردولتی مبتنی بر استواری اهداف و استمرار آن خواهد بود.

قانونمندی

تشکل های غیردولتی دارای ضوابط، روابط و سازمان کار مشخص و تعریف شده می باشند.

برنامه و فعالیت مشخص

هر تشکل غیردولتی در راستای دستیابی به اهداف خود، دارای برنامه و موضوع فعالیت در یک بخش یا رشته مشخص می باشد.

جلب مشارکت و عضویت

تشکل غیردولتی به دلیل دارا بودن ماهیت مردمی همواره در پی جلب مشارکت اعضای جدید برای دستیابی به قدرت عمل بیشتر و گسترش دامنه فعالیت و اثربخشی در موضوع فعالیت خود می باشد.

هویت و شخصیت مستقل

تشکل های غیردولتی دارای شخصیت حقوقی و هویت مردمی می باشند و مدیریت آنها (تصمیم گیری، برنامه ریزی، سازمان کار و ارزیابی) مستقل از دولت و دستگاه های اجرایی است - گرچه تشکل های غیردولتی و مجموعه دولت دارای ارتباط و تأثیرات متقابل می باشند.

مشارکت و مسئولیت پذیری

هدف تشکل های غیردولتی سود جویانه نیست. این سازمان ها دارای اهداف فرهنگی و اجتماعی می باشند که با مشارکت و مسئولیت پذیری اعضا تکوین می یابد و هر عضو خود را در اهداف و برنامه های آن سهیم و مسئول می داند.

این ویژگی ها می توانند ضامن بقا و ادامه حیات تشکل های غیر دولتی باشند، و در غیر این صورت نمی توان سازمانی که این ویژگی ها را در خود نداشته باشند را، نهاد و سازمان پویا و زنده دانست.

نهاد های مدنی در جوامع دینی

در یک جامعه دینی که مردم به دستورات دینی پایبند هستند، نهاد های مدنی نیز صبغه دینی پیدا می کنند. و در صورتی که نهاد های مدنی با انگیزه دینی تاسیس و راه اندازی شوند، می توانند نقش مهمی در هویت بخشی و سمت و سو دادن افکار جوامع به دین و آموزه های آن، ایفا کنند. به نحوی که هر چه جامعه دینی تر باشد، تأثیرگذاری و نفوذ این نهادهای مدنی دینی، بیشتر خواهد بود. و در حقیقت تأثیر و تأثر متقابلی را بر هم داشته باشند، همچنین هر چه این نهاد ها از دولت ها مستقل تر باشند، کارکرد مؤثرتری در ساختن یک جامعه خواهند داشت اما در فرضی که حکومت دینی بر قرار باشد فعالیت ها در راستای هم واقع می شوند و هماهنگی های لازم باید صورت گیرد. در ادامه در مورد آموزه های دینی در خصوص نهادهای مدنی بیشتر اشاره خواهد شد.

آثار نهادهای مدنی در جامعه

نهادهای مدنی مجموعه ای از مراکز، موسسات، انجمن ها و تشکلهای خصوصی و مدنی را شکل می دهند که بسترهای لازم را برای تحقق حقوق شهروندی^{۱۰} فراهم می کند. هر چقدر که نهادهای مدنی در

^{۱۰} - حقوق شهروندی یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فردی و اموری که دارای صبغه سیاسی نیستند می باشد. اصولاً «حقوق شهروندی» را می توان مجموعه قواعدی که بر روابط اشخاص در جامعه حکومت می کند تعریف نمود.

حقوق شهروندی ناظر به حقوق فطری انسان بوده و سلب ناشدنی، غیر قابل تخلف و ازلی و ابدی است. لذا در تعریف حقوق شهروندی پارامترهای ذیل را می توان مد نظر گرفت:

۱- چیزی است که فرد با داشتن تکلیف در قبال دیگری مستحق برخورداری از آن است.

۲- شخص به خاطر مصونیت از قانون مستحق آن است.

۳- امتیازی است که انسان در زندگی اجتماعی دارد.

۴- قدرتی است با هدف ایجاد رابطه حقوقی.

ویژگی های حقوق شهروندی عبارت است از:

جوامع قدرتمندتر و دارای توان بیشتری باشند، کنترل بر قدرت از راه نظارت بهتر خواهد بود و این امر به تکامل روند توسعه سیاسی و اقتصادی کمک خواهد کرد. نکته بنیادین این است که، نهادهای مدنی با تقویت امر نظارت و کنترل بر نهادهای قدرت مانع گسترش روندهای فساد سیاسی و اقتصادی می شوند و رانت خواری های سیاسی کمتر می تواند به نتیجه برسد.

بنابراین موضوع دیگری که با گسترش نهادهای مدنی تحقق می یابد؛ مقوله حقوق شهروندی است. با این وجود باید گفت، دولت ها وظایفی در قبال شهروندان خود دارند که حیطه گسترده ای را در بر می گیرد. از حق آزادی فردی و اجتماعی گرفته تا حق برخورداری از تأمین معاش و محیط زیست سالم، همه از جمله موارد حقوقی است که دولت ها موظفند آن را برای شهروندان خویش تأمین کنند.

ضرورت چنین فعالیتی از سوی دولت ها، اصلاح ساختارهای دولتی است. برای اصلاح چنین اموری نیاز به نهادهای مدنی قوی و فعال است که هدف از آن ها بهبود فرصت های شهروندان برای اعمال حقوق و وظایفشان است. در چنین فضایی افزایش آگاهی های سیاسی و اجتماعی بهترین راهبرد خواهد بود که تحقق چنین مهمی از طریق گسترش نهاد مدنی قوی و تاثیر گذار امکان پذیر است.

بر این اساس، گسترش نهادهای مدنی در کنار اقتصاد، بازار آزاد، خصوصی سازی و اطلاع رسانی از جمله ابزارهای غیردولتی هستند که جایگاهی مهم دارند و از سوی دیگر می توانند به برخی نیازها و دغدغه های جوامع که دولت ها توانایی یا انگیزه پرداختن به آن ها را ندارند، پاسخ گویند و علاوه بر این واسطه میان خواست و اراده عمومی جامعه و حاکمیت باشند در بسیاری از کشورها هر چند وجود تشکل ها، انجمن ها و گروه هایی که با ماهیتی غیر انتفاعی فعالیت می کنند وجود دارند، اما باید گفت در اسلام وجود اینگونه نهاد ها سابقه ای طولانی دارد. از جمله می توان به صندوق های قرض الحسنه، موسسات خیریه، هیأت های مذهبی، موقوفات خاص و عام که از مصادیق بارز این تشکل ها هستند اشاره کرد. ولی در عین حال باید گفت برای نهادینه شدن نهادهای مدنی و حرکت آن ها در راستای چنین حقوقی راه درازی در پیش است. بنابراین در هر جامعه ای وجود سازمان های غیر دولتی لازم است و باید دولت

۱-جهانی است؛ زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر انسانی در هر کجا که باشد و از هر نژاد، زبان، جنس یا دین، مستحق آن است.

۲- غیر قابل انتقال است و از بشر قابل انفکاک نیست؛ چراکه بدون آن نمی توان فرد را بشر نامید.

۳-تقسیم پذیر نیست.

۴-عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر و متمم و مکمل هم هستند.

۵-هدیه ای الهی است و هیچ مقام بشری این حقوق را اعطا نمی کند.

۶-حقوق ذاتی و فطری انسان است و از آن به صفات شخصیتی بشر تعبیر نمی شود و به هیچ قراردادی وابسته نیست.

کلیاتی راجع به حقوق شهروندی- تهیه کننده :احمد دستمالچیان.

ها تلاش کنند که موانعی که باعث عدم تاسیس و راه اندازی یا فعالیت نهادهای مدنی و NGO ها می شود را بر طرف کنند.

سرمایه اجتماعی و تهدیدات

سرمایه اجتماعی ، از نیمه دوم قرن بیستم به طور جدی مورد توجه جامعه شناسان قرار گرفت. امروزه این امر مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی، معیارهای جهان شمول و بستر مناسب برای زندگی اجتماعی تنها با وجود سرمایه اجتماعی شکل می گیرد^{۱۵}.

سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه مادی ، سرمایه اجتماعی در جوامع از اهمیت ویژه ای برخوردار است . این سرمایه در دل روابط متقابل بین افراد نهفته است که باید راه های رسیدن به آن را تبیین نمود و عوامل تهدید کننده آن را نیز به خوبی شناخت.

در همه جوامع ، نهادهای اولیه یا بنیادین اجتماعی (خانواده ، آموزشی ، حکومت ، مذهب و بازار) به عنوان نهادهای دائمی و نقش برطرف کننده اساسی ترین نیازهای تشکیل یک اجتماع ، را بر عهده دارند و در مرتبه ای بعد از آنها نهادهای مدنی (احزاب ، گروه های اجتماعی و ...) نیز (به عنوان نهادهای ثانویه) مورد توجه قرار می گیرند.

آنچه از مفهوم سرمایه اجتماعی بر می آید با چشم قابل مشاهده نیست، اما می توان آن را در اجتماعات انسان هایی که با هم تعاون و همکاری متقابل دارند ، مشاهده نمود. در واقع، آنها با رعایت ابعاد تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی (که شامل : احساس مسئولیت، اعتماد، وجدان کاری، راستگویی، امانت داری، انضباط و کنترل و نظارت، احترام متقابل، قانون مداری و ... است)، می توانند به اهداف مشترک خود دست یابند. اما باید دانست که عوامل تهدید کننده سرمایه اجتماعی کدام اند، تا با شناسایی به موقع آنها، از بروز آسیب ها جلوگیری نمود.

با توجه به این که بحران های ناشی از جهانی شدن را در پیش رو داریم ، امروزه بیماری ایدز ، افزایش بی بند و باری های جنسی و انحرافات اخلاقی، جنبش های فمینیستی و گرایش افراد به تجرد، با دلایل مختلف، بنیاد خانواده ها را متزلزل نموده است که اگر بدان توجه نشود، پیامدهای ناگواری را در تشکیل سرمایه اجتماعی مطلوب به دنبال خواهد داشت.

در خصوص نهاد مذهب که عامل ایجاد وحدت در اجتماع است می توان به کمرنگ شدن آموزه های دینی در بین جوانان جوامع مختلف اشاره نمود. عدم پایبندی به تعالیم دینی و مذهبی می تواند عواقب ناگواری را برای جوامعی که دین را از صحنه اجتماع خود خارج کرده اند، داشته باشد که بیشترین ضرر آن متوجه شکل گیری و انسجام سرمایه اجتماعی در چنین اجتماعاتی خواهد بود.

۱۵- سرمایه اجتماعی - مهدی اختر محققى - تاریخ انتشار ۱۳۸۵ - ناشر مهدی اختر محققى - چاپ اول.

اما در خصوص نهادهای اقتصادی باید گفت: فسادهای اداری - مالی که غالباً در بطن دولت ها و به دلایل مختلف رخ می دهند، (رانت خواری ، تبعیض ، عدم شایسته سالاری و ...) ، حاصلی جز فقر و بیکاری و اعتیاد جوانان به دنبال نخواهد داشت. این عامل، به علاوه سوء مدیریت و ضعف بهره وری، سرمایه اجتماعی را به طور جدی در معرض خطر قرار می دهد^{۱۷}.

عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی

عوامل ساخت سرمایه اجتماعی را به چهار دسته تقسیم کرده اند:

عوامل نهادی:

نهاد به معنای قانون، رسم، عرف، عادت و یا سازمانی است که در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم، مؤثر واقع می شود و نظام هدف داری را در جهت رفع نیازهای یک اجتماع سازمان یافته، ایجاد می کند، مانند: دولت که از طریق وضع قوانین و ایجاد نظام هدفدار، موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می شود.

عوامل خودجوش:

هنجارهایی که به صورت خودجوش، به جای قانون و دیگر نهادهای رسمی، از کنش های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می آیند و ناشی از انتخاب های تعمّدی نیستند، در این دسته قرار می گیرند.

عوامل بیرونی:

منظور از این دسته عوامل، هنجارهایی هستند که از جایی، غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته اند، سرچشمه می گیرند، همچون: دین، مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ یا تجربه مشترک تاریخی.

عوامل طبیعی:

در این گروه، دو دسته از عوامل: «روابط خویشاوندی» و «همبستگی های قومی و نژادی» قرار می گیرند^{۱۸}.

اسلام و نهاد های مدنی

اسلام بعنوان کامل ترین نماد دین الهی با سفارش به وقف، نذر، قرض الحسنه و بخشش قسمتی از اموال خود به فقرا و مستمندان و قوانینی از این قبیل پیوندی میان مسئولیت های اجتماعی و ایمان گذارده و

^{۱۷} - hozeh-resalat.blogfa.com - سرمایه اجتماعی و نقش نهادها.

^{۱۸} - مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن - www.hawzah.net.

میان این دو، رشته هایی نا گسستنی بوجود آورده است پیامبر اسلام ص با شرکت در پیمان حلف الفضول در سال های جوانی و قبل از بعثت خویش که با هدف دفاع از مظلومان تشکیل شده بود به این موضوع صحنه گذاشته و همواره در طول حیات پر برکت خویش به آن مباهات می کردند. و سخنی که از ایشان در کتب تاریخی آمده، فرموده اند: در ایام جاهلیت به جمع و پیمانی انسانی دعوت شدم که اگر هم اکنون نیز به چنین جمعی دعوت می شدم از آن استقبال می کردم و آن را با شتران سرخ مو عوض نمی کردم^{۱۹}.

^{۱۹} - تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۱۸.

حلف الفضول از جمله پیمان هایی که طبق روایات رسیده، اسلام نیز آن را امضاء کرده و به عنوان پیمانی مقدس از آن یاد شده است که به شرحی که ذیلا خواهیم گفت برای جلوگیری از ظلم و تعدی زورگویان و به منظور دفاع از ستمدیدگان بسته شد، و چون این پیمان در هدف مشابه پیمان دیگری بوده که سال ها قبل از آن بوسیله «جرهمیان» بسته شد و انعقاد آن بوسیله چند نفر بوده که نام همگی آن ها «فضل» یا فضیل بوده (یعنی فضل بن فضاله و فضل بن وداعه و فضیل بن حارث و یا به گفته بعضی: فضل بن قضاعه و فضل بن مشاعه و فضل بن بضاعه) - بدین جهت به این پیمان نیز «حلف الفضول» گفتند، و برخی نیز در وجه تسمیه و این نامگذاری وجوه دیگری گفته اند که جای ذکر آن نیست. پیمان مزبور پس از جنگ های فجار و در بیست سالگی عمر رسول خدا و در خانه عبدالله بن جدعان انجام پذیرفت، و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که پس از بعثت می فرمود: حضرت فی دار عبد الله بن جدعان حلفا ما یسرني به حمر النعم، و لو دعیت إلیه الیوم لأجبت. به راستی که در خانه عبدالله بن جدعان شاهد پیمانی بودم که خوش ندارم آن را با هیچ چیز دیگر مبادله کنم، و اگر در اسلام نیز مرا بدان دعوت کنند اجابت خواهم کرد و می پذیرم. و ماجرا - چنانچه گفته اند - از این جا شروع شد که مردی از قبیله «زبید» و یا قبائل دیگر حجاز - به مکه آمد و مالی را به عاص بن وائل فروخت، و هنگامی که به سراغ پول آن رفت عاص بن وائل از پرداخت آن خودداری کرد و مرد زبیدی را از نزد خود راند. مرد زبیدی به نزد جمعی از سران قریش رفت، و به گفته برخی به نزد افرادی که پیمان «لعه» را منعقد کرده بودند رفت، و از آن ها برای گرفتن حق خود استمداد کرد، ولی آن ها پاسخی به او ندادند و حاضر به گرفتن حق او نشدند.

مرد زبیدی که چنان دید، بر فراز کوه ابی قبیس - که مشرف به شهر مکه و خانه کعبه بود - رفت و بوسیله این دو بیت فریاد مظلومانه و ستمی را که به او شده بود به گوش مردم مکه و اشراف شهر رسانده، و چنین گفت:

یا آل فھر لمظلوم بضاعته	بیطن مکه نائی الدار و الفقر
و محرم اشعث لم یقض عمرته	یا للرجال و بین الحجر والحجران
الحرام لمن تمت کرامته	و لاحرام لثوب الفاجر الغدر

یعنی: ای خاندان «فهر» - برسید بداد ستمدیده ای که در وسط شهر مکه کالایش را به ستم برده اند و دستش از خانه و کسان دور است، و ای مردان برسید به داد محرمی ژولیده که هنوز عمره اش را بجای نیاورده و میان (حجر اسماعیل) و حجر الاسود گرفتار است. به راستی که حرمت و احترام برای آن کسی است که در بزرگواری تمام باشد، و دو جامه فریب کار احترامی ندارد.

گفته اند: این فریاد مظلومانه که در شهر مکه طنین افکند، زبیر بن عبدالمطلب - عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله - از جا حرکت کرده گفت: این فریاد را نمی توان نشنیده گرفت، و به سراغ بزرگان قبائل قریش رفت، و توانست قبائل زیر یعنی بنی هاشم و بنی زهره و بنی تیم بن مره و بنی حارث بن فهر را با خود همراه کند و در خانه عبدالله بن جدعان - اجتماع کرده و در آن جا پیمان «حلف الفضول» را منعقد ساخته، و دست های خود را به نشانه تعهد در برابر پیمان در آب زمزم فرو بردند و به مضمون زیر پیمان بستند که: لایظلم غریب و لاغیره، و لئن یؤخذ للمظلوم من الظالم: نباید به هیچ شخص غریب یا غیرغریبی ستم شود، و باید حق مظلوم از ظالم گرفته شود! و به دنبال این پیمان به نزد عاص بن وائل رفته، و حق مرد زبیدی را از او گرفته و به آن مرد دادند.

با تاملی در معارف قرآن و سنت می توان به آموزه هایی اشاره نمود که می توان بر صحت و رسمیت بخشیدن دین اسلام به توافقات اجتماعی در صورتی که مغایر با اصول و قواعد، و عموماً احکام و معارف نباشد گذارد، شاخصه هایی مانند:

۱- احسان و نیکی به هموع.

۲- تعاون و همکاری گروهی.

۳- تحکیم روابط اجتماعی.

۴- نظارت و مسئولیت همگانی^{۲۰}.

در ادامه به این شاخص ها می پردازیم و ادله و شواهد هر یک را تحت همان عنوان می آوریم.

احسان و نیکی به هموع

احسان همچون سنت وقف، قرض الحسنه، انفاق و صدقه است که در اسلام توصیه شده و همه پیشوایان ما در این راه پیش قدم بوده اند و هم اکنون بصورت نظام یافته و منسجم تحت عنوان سازمان های غیر دولتی با جهت گیری خیر خواهانه به فعالیت می پردازند

بعنوان مثال نخستین صدقه موقوفه در اسلام زمین های مخیریق است. که او آنها را با وصیت در اختیار پیامبر ص گذاشت و پیامبر ص با تشخیص خود، آنها را وقف کرد^{۲۱}.

امیرالمومنین علی ع نیز چند سالی که از کارهای سیاسی کنار گذاشته شده بودند، به امور کشاورزی، درختکاری و حفر قنات در مناطق مختلفی از جمله اطراف مکه و مدینه مشغول شدند و بدین وسیله املاک، باغ ها و مزارع فراوانی ایجاد کردند و مقدار زیادی از آنها را وقف کردند. این باغ ها را برای حجاج خانه خدا، فقرا و خویشاوندان خود وقف کردند^{۲۲}.

^{۲۰}- جامعه شناسی سازمان های غیر دولتی زنان ص ۲۰.

^{۲۱}- السيرة النبوية - ابن هشام ج ۱ ص ۵۱۹.

مخیریق یهودی است که اسلام آورد و ثابت قدم ماند. او یکی از بزرگان بنی قینقاع و عالم آنان به شمار می آمد که نماینده سؤمین گروه یهودی در پیمان پیامبر ص بود. هنگامی که رسول گرامی اسلام برای نبرد احد از مدینه بیرون رفت، مخیریق به قوم خود گفت: می دانید که او پیامبر خداست و باید او را یاری کنیم. یهودیان گفتند: امروز شنبه است و از همراهی او سرباز زدند، مخیریق سلاح برگرفت و به احد آمد و همراه مسلمانان جنگید تا به شهادت رسید. پیامبر فرمود: مخیریق بهترین یهودیان بود.

^{۲۲}- سيرة اقتصادية امام علي ع - سيد رضا حسيني

در قرآن کریم موضوع احسان و نیکی در آیات مختلفی مورد تاکید فروان قرار گرفته شده اند از جمله آیاتی که بحث احسان به دیگران را مورد اشاره قرار داده:

(۱) ان تقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعفه لکم و یغفر لکم و الله شکور حلیم^{۲۳}. (اگر خدا را قرض الحسنه دهید، آن را برای شما دو چندان می‌گرداند و بر شما می‌بخشاید، و خداوند بسیار قدرشناس و بردبار است.)

عمده فعالیت‌های اقتصادی امام علیه السلام در دوره خلفا در منطقه ینبع به وقوع پیوسته است. ینبع نام منطقه ای است در ۱۶۵ کیلومتری غرب مدینه (در ساحل دریای سرخ) و آن را به دلیل چشمه های فراوانش به این نام نامیده‌اند. برخی تعداد چشمه‌های آن را تا ۱۷۰ عدد ذکر نموده‌اند. ساکنان ینبع عمدتاً از جینه و نبولیت و الأنصار بوده‌اند. پس از وفات امام این منطقه تحت اختیار اولاد امام حسن علیه السلام قرار گرفت. نام ینبع در کتب تاریخ، سیره و جغرافیا با نام امام علی علیه السلام عجین شده است، چنانکه این شهر در هیچ کتابی بی نام علی ع معرفی نشده است. از برخی شواهد تاریخی بر می‌آید که نام ینبع را امام بر این منطقه نهاده است

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

در زمانیکه رسول خدا صلی الله علیه وآله اراضی فی را تقسیم نمود، زمینی هم نصیب علی علیه السلام گشت، او در این زمین چاهی حفر کرد که آب از درون آن مانند گردن شتر می‌جوشید، و به همین مناسبت نام ینبع - به معنای جوشیدن آب از زمین - بر آن نهاد.

علاوه بر این امام علی علیه السلام در ینبع چشمه ها و نخلستان های فراوان دیگری نیز آباد نمود. ابن شیه خلاصه اموال امام علی علیه السلام در ینبع را چنین گزارش نموده است:

« اموال علی ع در ینبع چشمه های پراکنده‌ای است از جمله آنها چشمه ای است به نام « عین البحیر » و چشمه ای است که به آن « عین نولا » گفته می‌شود و امروزه به آن « الغدر » می‌گویند و این همان ملکی است که می‌گویند علی ع با دست خود در آن کار نمود و مکان نماز پیامبر صلی الله علیه وآله در واقعه ذی العشیره که کاروان قریش را تعقیب می‌نمود در آن واقع است. . . و برای علی ع است، نهری از چشمه ای به نام « عین در ینبع و سهمی از چشمه ای که به آن « الغصیبیه » گفته می‌شود.

و نیز ابن شهر آشوب تعداد چاه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام در ینبع را بالغ بر یکصد حلقه ذکر نموده است. میزان محصول این املاک در زمان حیات امام علیه السلام به روایت واقدی افزون بر هزار وسق (وسق ۶۰ من) بوده است. درباره ارزش مجموعه این املاک اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما از روایتی که درباره عین ابی نیزر وارد شده است تا حدودی می‌توان به ارزش بسیار بالای آنها پی برد. این روایت حاکی است که معاویه ۲۰۰ هزار دینار برای خرید عین ابی نیزر به امام حسین علیه السلام پیشنهاد کرد ولی امام آن مبلغ را نپذیرفت.

از اشاره‌هایی که در وقف نامه ها و گزارش های معطوف به برکات اقتصادی امام علی علیه السلام وجود دارد چنین به دست می‌آید که آن حضرت علاوه بر ینبع در نواحی متعدد دیگری از مدینه فعالیت های عمرانی مانند حفر چاه ها و احداث مزارع و نخلستان ها داشته اند. در وقف نامه ای که آن حضرت به دست مبارک خود نگاشته شده اند به اموالی در وادی القری، وادی ترعه، وادی اذنیه و فقیر اشاره شده است.

ابن شهر آشوب همچنین در ذکر برکات اقتصادی امیرالمؤمنین علیه السلام به موارد دیگری اشاره نموده است از جمله این موارد که در نصوص تاریخی دیگر هم به آن اشاره شده است حفر چاه هایی در کناره‌های راه مدینه - مکه است.

۲۳- سوره تغابن ۱۷.

۲) من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له اضعافا کثیرة^{۲۴}. (کیست آن که به خداوند قرض الحسنه دهد تا خدا آن را برایش (در وقت پرداخت) چندین برابر فزونتر کند؟!)

۳) ان الله یامر بالعدل و الاحسان^{۲۵}. (خداوند به عدالت و احسان فرمان داده است.)

این چند آیه از آیات قرآن کریم است که در باب تشویق و ترغیب مسلمانان به احسان می باشد که مصداقی (قرض الحسنه) از آن را معامله با خداوند دانسته و اجر و پاداش مضاعفی و دوچندان را برای آن قرار داده است.

تعاون و همکاری گروهی

زندگی اجتماعی انسان ها بر اصل ارتباط و وابستگی، بنا شده است. لازمه ی این ارتباط نیز به کار گرفتن همه ی استعدادها و استقرار نظام تعاون و همکاری است می دانیم که تعاون از ریشه ی «عون» به معنای یاری، نیکی و احسان مشتق شده است و تعاون که از باب تفاعل است به معنای یک دیگر را یاری کردن است. به عبارت دیگر، کار گروهی، داوطلبانه و نظام مند را تعاون می گویند. واژه «تعاون» در مفاهیم زیر به کار برده شده است؛

- همکاری؛ به یکدیگر یاری رساندن و مشارکت در جهت فراهم آوردن نیاز مشترک.
- کنش متقابل و پیوسته؛ که در جهتی یگانه صورت می گیرد.
- خودیاری؛ و منتظر کمک دیگران ننشستن.
- همیاری؛ توفیق خود را در گرو موفقیت دیگران دانستن.
- مفهوم سازمانی؛ عملی که در داخل یک شرکت تعاونی صورت می گیرد.
- کمک به دیگری؛ کلماتی چون معاون، اعانه، استعانت و مستعان بیانگر «تعاون» به معنای اخیر بکار گرفته می شوند.

تعاون یکی از اصول اخلاقی مهم است که در قرآن با صیغه امر به آن اشاره شده و همین امر نشانگر اهمیت و ارزشمندی آن است. قرآن کریم به عنوان قانون اساسی اسلام، آیات متعددی در اینباره در خود دارد و مسلمانان را به تعاون و همکاری و همیاری سفارش می کند از جمله می توان اشاره کرد به:

^{۲۴}- سوره بقره ۲۴۵.

^{۲۵}- سوره نحل ۹۰.

(۱) و تعاونوا على البر و التقوى^{۲۶} (و شما باید در نیکوکاری و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید).

(۲) یؤثرون على انفسهم و لو كان بهم خصاصة^{۲۷} (هرچند به چیزی نیازمند باشند، باز دیگران را در آن بر خویشان مقدم می دارند).

در روایات دینی نیز بر موضوع تعاون و همیاری تاکید فراوان صورت گرفته است و تا جایی که بنی آدم را اعضای هم می داند همان طور که در اشعار فارسی که بر گرفته از متون دینی است منعکس شده، از باب نمونه به چند روایت کوتاه اشاره می کنیم:

پیامبر اکرم ص فرمود:

المؤمنون اخوة یقضي بعضهم حوائج بعض فیقضي الله لهم حاجتهم^{۲۸}. (مؤمنان با یکدیگر برادرند و نیازهای یکدیگر را برآورده می کنند. خداوند نیز نیاز آنان را برآورده می سازد).

و در جای دیگر می فرماید:

مثل المؤمنین فی توادهم و تعاطفهم و تراحمهم مثل الجسد اذا اشتكى منه شيء تداعي له سائر الجسد بالسهر و الحمی^{۲۹}. (مثل مومنان در پیوند و دوستی و محبت و رحمت به هم (و اهمیت دادن به سرنوشت یکدیگر) مثل یک پیکر زنده است که اگر چیزی از آن به درد آید، دیگر اجزای پیکر نیز با آن هم دردی می کنند).

امام باقر ع می فرماید:

من مشي فی حاجة لاخته المسلم حتی یتمها اثبت الله قدمیه یوم تزل الاقدام^{۳۰}. (کسی که برای برآوردن نیاز برادر مسلمانش حرکت کند و بکوشد تا آن را به پایان برساند، خداوند متعال، گام های او را در روزی که قدم ها می لرزد، ثابت و استوار خواهد کرد).

سرتاسر تاریخ اسلام پر از نمونه هایی است که سبب تقویت و گسترش روح تعاون در جامعه گردیده و تا کنون نیز ادامه داشته اند همیاری مردم در برپایی اعیاد و مراسم مذهبی، عزاداری، ساخت مساجد، مدارس، حسینه ها و غیره نمونه هایی از تعاون است حضرت علی (ع) در نهج البلاغه با تاکید بر روح

^{۲۶} - سوره مائده ۲.

^{۲۷} - سوره حشر ۹.

^{۲۸} - در النوادر (راوندی) ؛ ص ۸. اینچنین نقل شده: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ يَفْضِي بَعْضُهُمْ حَوَائِجَ بَعْضٍ فَإِذَا قَضَى بَعْضُهُمْ حَوَائِجَ بَعْضٍ قَضَى اللَّهُ لَهُمْ حَاجَاتِهِمْ.

^{۲۹} - نهج الفصاحة ص ۷۱۵.

^{۳۰} - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ؛ ج ۱۲ ؛ ص ۴۰۸.

تعاون و یکدلی بین خویشاوندان، آنها را به یاری و مهربانی با یکدیگر دعوت می نماید، آنجا که می فرماید: «ای مردم! انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان خود بی نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگ ترین گروهی هستند که از او حمایت می کنند و اضطراب و ناراحتی او را می زدایند و در هنگام مصیبت ها به او، پر عاطفه ترین مردم می باشند. آن کس که دست دهنده خود را از بستگانش باز دارد، تنها یک دست را از آنها گرفته، اما دست های فراوانی را از خویش دور کرده است و کسی که پر و بال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت»^{۳۱}

با توجه به روایاتی که در فضیلت همدلی و تعاون ذکر شد، در می یابیم که این صفت فضیله از جمله صفاتی است که مورد توجه و تاکید بسیاری از ائمه معصومین(ع) بوده است؛ چرا که یاری رساندن به مومن از جمله عباداتی است که مورد رضایت خداوند است، به همین دلیل از بسیاری عبادات با فضیلت تر و مهم تر شمرده شده است.

انسجام روابط اجتماعی

از آنجایی که انسان بالطبع اجتماعی است و داشتن روح جمعی در میان انسان ها از ویژگی فطریشان سرچشمه می گیرد اسلام دعوت خود را بر پایه اجتماع بنا نهاده و در همه ابعاد خویش این اصل را رعایت نموده است زیرا روابط اجتماعی سالم و اسلامی سبب ایجاد روح همبستگی و تعلق اجتماعی افراد جامعه نسبت به یکدیگر شده و در نهایت به حس مسئولیت پذیری و روحیه مشارکت میان آنان منجر می گردد و همین حس مسئولیت پذیری سبب بوجود آمدن جامعه ای منسجم گردیده و میزان مشارکت مردم را در مقابل حوادث پیش آمده بالا می برد. برخی جامعه شناسان می گویند دین پیوستگی های اعضای جوامع و الزامات اجتماعی را که به وحدت آنان کمک می کند از دیاد می بخشد. از جمله این جامعه شناسان اگوست کنت است. وی جامعه را نیازمند انسجام می داند و دین را نیز مهمترین عامل این انسجام معرفی می کند، بنابراین به نظر او هیچ گاه نمی توان جامعه را بدون انسجام و از این رو بدون دین تصور نمود و مادامی که جامعه وجود دارد دین نیز وجود دارد. ایشان دین را مهمترین عامل نظم بخشی و انسجام جامعه می داند علاوه بر کنت، دورکیم نیز دین و دینداری را موجب انسجام و همبستگی نهادها و گروه های اجتماعی و افراد آن می داند.^{۳۲}

^{۳۱} - نهج البلاغه خطبه ۲۳. أَيْهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَ إِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ [عَشِيرَتِهِ] عَثْرَتِهِ وَ دِفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ هُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ حَبِطَةً مِنْ وَرَائِهِ وَ أَلْمُهُمْ لِشَعْبَتِهِ وَ أَعْظَفُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَازِلَةٍ إِذَا [إِنْ] نَزَلَتْ بِهِ وَ لِسَانُ الصَّدَقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْمَالِ [يُورِثُهُ غَيْرُهُ] يَرِثُهُ غَيْرُهُ. و منها: أَلَا لَا يَعْدِلُ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرَى بِهَا الْخَصَاصَةَ أَنْ يَسُدَّهَا بِالَّذِي لَا يَزِيدُهُ إِنْ أَمْسَكَهُ وَ لَا يَنْقُصُهُ إِنْ أَهْلَكَهُ وَ مَنْ يَقْبِضْ يَدَهُ عَنْ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّمَا يَقْبِضُ مِنْهُمْ يَدٌ وَاحِدَةً وَ تُقْبِضُ مِنْهُمْ عَنْهُ أَيْدٍ كَثِيرَةٌ وَ مَنْ تَلَّنَ حَاشِيَتَهُ يَسْتَدِمُ مِنْ قَوْمِهِ الْمَوَدَّةَ.

^{۳۲} - دین در روابط اجتماعی - سایت www.maaref.porsemani.ir

برگرفته از: بختیاری، محمد عزیز؛ فاضل محسنی؛ نظریه های اجتماعی دین، ص ۶۱.

یکی از اساسی ترین موضوعات مطرح در روابط اجتماعی مسلمانان که از آغاز ظهور اسلام و خصوصاً پس از تشکیل حکومت اسلامی مورد توجه قرآن مجید و شخص پیامبر اکرم (ص) قرار داشت، مسئله مهم وحدت جامعه اسلامی بود. قرآن و سنت، مسلمانان و امت اسلامی را به حفظ وحدت و همدلی و یکپارچگی سفارش کرده اند.

آیات فراوانی در قرآن مجید از این موضوع سخن گفته و هرگونه درگیری و یا تشتت را که منجر به تفرقه و فروپاشی اتحاد میان مسلمانان شود، مورد نکوهش خود قرار داده است. آیاتی همچون:

و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا^{۳۳}. (و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید!)

و الف بین قلوبهم لو انفقت ما فی الارض جميعا ما الفت بین قلوبهم و لكن الله الف بینهم^{۳۴}. (و میان دلهایشان الفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می کردی نمی توانستی میان دلهایشان الفت برقرار کنی.)

علت اینکه در اسلام تا این حد درباره وحدت و یکپارچگی تأکید شده، آن است که مردم فقط در سایه اتحاد و همبستگی می توانند موانع انجام هر کاری را از سر راه بردارند زیرا با استفاده از تمام ظرفیت، استعداد، قدرت، اراده و انگیزه ای که در یک جا جمع شده است، می توان به مقصد مورد نظر رسید.

به راستی اگر امتی به صورت یکپارچه و مصمم و با استعانت از خداوند متعال اراده کند، می تواند در تمام امور زندگی اجتماعی، سرنوشت خود را تغییر دهد و با سرعت نردبان رشد و ترقی و کمال را طی کند، که نمونه های بارز آن را در طول تاریخ اسلام مشاهده می کنیم.

پیامبر اکرم ص، که خود محور اتحاد و انسجام اسلامی است با متحد کردن گروه ها و احزاب مختلف از جمله انصار و مهاجرین، قبایل اوس و خزرج و دیگران توانست در سخت ترین شرایط و در دوران جاهلیت، روند حرکت اجتماعی را تغییر دهد، پرچم انسان ساز اسلام را به اهتزاز درآورد، احکام اسلامی را اجرا نماید و نام اسلام و آیین الهی را در کوتاه ترین زمان ممکن جهانگیر سازد. این موضوع از نظر دانشمندان و مورخان غیراسلامی نیز مخفی نمانده و همگی با اعجاب فراوان از آن یاد کرده اند^{۳۵}.

^{۳۳}- سوره آل عمران ۱۰۳.

^{۳۴}- سوره انفال ۶۳.

^{۳۵}- تاریخ تمدن - ویل دورانت.

اشعار - آلفونس دو لامارتین.

نظارت و مسئولیت همگانی

عدالت، عمومی ترین مفهوم اخلاقی است که بازگشت سایر اصول اخلاقی به آنست و ارزش گذاری در مورد تمامی مفاهیم تربیتی، اخلاقی و اجتماعی نیز از طریق نسبت سنجی با آن صورت می گیرد. تحقق عدالت در جامعه جز با حضور و مشارکت عمومی و همگانی ممکن نخواهد بود در نظام سیاسی اسلام همانگونه که مردم به حکومت حاکمان فعلیت می بخشند به همانگونه حق نظارت بر آنان را دارند در قرآن کریم بارها به این نکته تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر که خود از تبعات نظارت محسوب می شود اشاره شده است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم:

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر^{۳۶}. (و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.)

کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنكر^{۳۷}. (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید: به کار پسندیده فرمان می دهید، و از کار ناپسند باز می دارید.)

در بیان اهمیت و ضرورت این نظارت، از حضرت علی علیه السلام روایت شده است: و ما اعمال البر كلها و الجهاد في سبيل الله عند الامر بالمعروف و النهي عن المنكر الا كنفثة في بحر لحي^{۳۸}. هیچ کار نیکی با آن برابری نمی کند حتی جهاد در راه خدا و تمام کارهای نیک در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر همچون قطره اند در برابر دریای موج و پهنای آسمان. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: « هیچگاه کسی به خاطر عمل دیگری مجازات نمی شود مگر در زمانی که گروهی در برابر کژی ستمکار سکوت کنند و حساسیت عمومی در برابر بی عدالت ها منتفی گردد، در این هنگام خداوند همه را مجازات خواهد نمود.»

در مورد قوم بنی اسرائیل در قرآن کریم می خوانیم: گروهی به خاطر ارتکاب گناه و گروهی به دلیل ترک وظیفه نظارتی « امر به معروف و نهی از منکر» به عذاب دچار شدند و تنها ، کسانی که در برابر ارتکاب فعل ناشایست دیگران واکنش نشان دادند نجات یافتند^{۳۹}.

^{۳۶}- سوره آل عمران ۱۴.

^{۳۷}- سوره آل عمران ۱۱۰.

^{۳۸}- نهج البلاغه حکمت ۳۷۴.

^{۳۹}- سوره اعراف ۱۶۴.

فصل دوم: ضرورت و هدف از تاسیس نهادهای مدنی

تمدن سازی تنها با تاسیس نهادهای مدنی

هنگامی که سخن از ساختار دولت به میان می آید قوای دولت به معنای عام را به سه دسته قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه تقسیم می کنند، و برای اداره جامعه، ساختار، وظایف، ترکیب و نحوه تعامل میان آن ها را، در قانون اساسی و دیگر قوانین معین می کنند.

پس از آن ، سخن از قدرت و قوه دیگری به میان می آید؛ و آن رسانه می باشد که با وسایل پیشرفته و تکنیک های بالا و متنوع ، نقش و آثار بزرگی را در جامعه ایفا می کند و تا آنجا که آن را قوه چهارم^{۴۰} در ساختار نظامات سیاسی می نامند و نقش هماهنگ کننده بین دیگر قوای دولت را به عهده دارد و جامعه را به اهدافی که دولت آنرا از پیش تعیین کرده متوجه می سازد و زمینه های انجام آنها را با تکنیک ها و مهارت های فنی، مدیریت و به پیش می برد.

اما از آنجایی که امکان انحراف در حکومت ها و قوای حاکمه و سازمان های دولتی و عدم اعتنا و توجه به اراده و خواست ملت ها وجود دارد و حتی تا آنجا پیش می رود که دولت ها برای حفظ موجودیت خود به دشمنی با مردم در می آیند و به استبداد و انحصار و اقتدارگرایی و ظلم و فساد منتهی می گردد؛ در چنین شرایطی رسانه نقش و رسالت مهمی را بر دوش دارد اما در عین حال ممکن است اصحاب رسانه ضمیر و وجدان انسانی خود را زیر پا نهند و آلت دست حکومت های مستبد و فاسد بشود و از رسالت و اهداف خیر خواهانه خود به دور افتد و انصاف و صداقت و راستی را ، به دادن اطلاعات غلط و تحریف و تزویر و دروغ و حقه بازی و...مبدل سازد؛ و این قدرت در خدمت حکومت های فاسد قرار بگیرد.

از همین روی جوامع بشری بدین فکر افتادند که نهاد و سازمان هایی را تاسیس کنند که ، اراده و خواست و نقطه نظرات جمعی آنها را نمایندگی کنند و طبق مصالح آنها گام بردارند و در خدمت رسانی و سازندگی و رفاه اجتماعی سهم باشند و حقوق ملت را با شجاعت و قدرت استیفا کنند و آنرا در هر آنچه که به مصلحت ملت باشد و در مسیر ساختن جامعه ای متمدن که بر پایه و اساس حقوق طبیعی در زندگی اجتماعی، همراه با آزادی و کرامت باشد پی ریزی شود؛ این سازمان ها و تشکیلات را (نهادهای مدنی) نامیدند.

^{۴۰} - fourth Estate - معادل فارسی آن مطبوعات عمومی ، نشریات ملی و یا رکن چهارم از آن یاد می کنند.

نقش نهادهای مدنی در زندگی اجتماعی

نقش موسسات مردم نهاد را می توان در امور زیر خلاصه کرد:

- ۱- جهت دادن به خواسته های ملت در هر آنچه که به مصالح و منافع آنها بیانجامد و شرکت در تصمیم سازی درست در مسائل مهم و کلان جامعه.
- ۲- دفاع و استیفای حقوق از دست رفته ی ملت.
- ۳- همکاری و مشارکت در رفع مشکلات و نابسامانی ها، و همدردی و همراهی در برون رفت از ناملایمات و سختی های موجود جامعه.
- ۴- ارتقا بخشی و آماده سازی افراد جامعه، برای زمینه و بستر سازی های لازم به جهت پیشرفت و توسعه در حد کشورهای توسعه یافته جهان امروز.
- ۵- کنترل و نظارت بر فعالیت های قوای دولتی و سازمان های رسمی ، و ارزیابی کردن وظایف آنها، و یافتن نقاط ضعف و قوت، و نیز جلوگیری از فساد اداری و مالی، پیگیری و مطالبه سرسختانه بر حسن انجام وظایف و نیز رفع نابسامانی ها.
- ۶- رهبری و سازماندهی فعالیت های اجتماعی (نهادهای مدنی) و تنویر و اقناع افکار عمومی به لزوم و ضرورت وجود آنها.

عوامل موفقیت نهادهای مدنی در کسب اعتماد جامعه

نهادهای مدنی در صورتی می توانند اعتماد و اطمینان افراد جامعه را متوجه خود سازند، که به وظایف مهم و سنگین خود با رعایت انصاف و با بی طرفی کامل، جامه عمل بپوشانند؛ که در این صورت اقبال و اعتماد و پشتیبانی افراد جامعه را نصیب خود خواهند کرد؛ و در نهایت، همراهی ملت با نهادهای مدنی ، قدرت و اقتدار آنها را در انجام وظایف و مطالبه حقوق ملت و نیز در تصمیم سازی در مسائل مهم و کلان جامعه نمایان می گرداند و نتایج مثبت فراوانی را در پی خواهد داشت. اما آنچه که مهم بنظر می رسد، این است که تشکل های مدنی از چه راه هایی می توانند اعتماد و اطمینان جامعه را کسب کنند؟ در ذیل به چند نکته اساسی در این زمینه را، مورد اشاره قرار می دهیم.

راه های جلب اعتماد و اطمینان جامعه به نهاد های مدنی

- ۱- استقلال و عدم مداخله در کشمکش های تند سیاسی علیه قدرت حاکمه و عدم ورود در مبارزات و گفتگوهای جدلی بین جناح های سیاسی رقیب.
- ۲- انجام وظایف و فعالیت ها ، تنها با انگیزه خدمت به مصالح و منافع عمومی جامعه.

۳- آگاهی و قدرت بر تشخیص علل ضعف و نا بسامانی های موجود، در روند حرکت رو به پیشرفت جامعه؛ و توان برنامه ریزی و ایجاد چشم انداز و نیز ترسیم الگویی که بتوان، جامعه را برای کسب منافع و عزت و کرامت سوق داد و در سایه آن توسعه و پیشرفت را در پی داشتن.

۴- پرهیز و دوری از انحصار گرایی و منفعت طلبی شخصی و گروهی.

مسئولیت نظارت در اسلام

فرهنگ اسلامی بر گرفته شده از قرآن و سنت ، امت اسلام را به این سمت و سو کشیده است؛ که تمام آحاد جامعه اسلامی را، متوجه این امر کند که نظارت بر مسیری که برای رسیدن به اهداف تعیین شده را، خود بر عهده داشته باشند تا در مسیر، انحرافی حاصل نگردد و این مسئولیت فقط متوجه متولیان و مسئولان نیست. خداوند متعال می فرماید: (و كذلك جعلناكم أمة وسطا لتكونوا شهداء على الناس)^{۴۱} و ما شما را نیز امتی وسط و میانه رو قرار دادیم تا شاهد و گواه بر مردم باشید. با توجه به این آیه کریمه در می یابیم که مسئولیت نظارت متوجه تمام افراد جامعه اسلامی می باشد؛ و نیز روایت مشهور: (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة^{۴۲}) مویدی بر مفهوم این آیه می باشد، تأثیر این آموزه دینی را باید در ایجاد این فرهنگ در جامعه و نهادینه کردن آن مهم بدانیم و با تکیه بر این آموزه، سعی و تلاش در پیاده کردن این آموزه را داشته باشیم.

در مجامع روایی اسلامی احادیث و روایات زیادی در باب مسئولیت نظارت و کیفیت آن وجود دارد، و می توان گفت که بارزترین مصداق آن فرمانی است که امیرالمومنین ع به مالک اشتر هنگامی که او را از سوی خود به فرمانداری مصر منصوب کرد، می باشد؛ این عهدنامه به عنوان اولین سند تاریخی، که مسئله تفکیک قوای حکومتی، در آن مطرح شده است می باشد؛ حضرت در این فرمان می نویسد: (و اجعل لرأس کل امر من امورک رأساً منهم - ای الصالحین - لا یقهرة کبیرها و لا یتشتت علیه کثیرها) برای هر یک از مشاغل و امور خود، فردی را بگمار که کارهای سنگین و زیاد، او را درمانده نسازد و کثرت کارها او را پریشان و خسته نکند؛ و در ادامه در مورد تأسیس و راه اندازی برنامه هایی که ثمرات و نتایج مثبتی را در پی خواهد داشت می نویسد: (و لا تنقض سنة صالحة عمل بها صدور هذه الامة و اجتمعت بها الالفة و صلحت علیها الرعية و لا تحدثن سنة تضر بشی من ماضی تلک السنن فیکون الاجر لمن سنهها و الوزر علیک بما نقضت منها و اکثر مدارس العلماء و مناقشة الحكماء فی تثبیت ما صلح علیه امر بلادک و اقامة ما استقام به الناس قبلک) هرگز سنت پسندیده ای که پیشوایان این امت بآن عمل کرده اند ، و ملت اسلام بآن انس و الفت گرفته و امور رعیت بوسیله آن اصلاح می گردد را ، نقض مکن! و نیز سنت و روشی که به سنت های گذشته زیان وارد می سازد احداث مکن که اجر، برای کسی خواهد بود که آن سنت ها را بر قرار کرده ، و گناهش بر تو که آنها را نقض نموده ای، با دانشمندان زیاد بگفتگو بنشین و با حکماء و اندیشمندان نیز بسیار بحث بپرداز، این گفتگوها و بحث ها

۴۱ - سوره بقره آیه ۱۴۳.

۴۲ - منية المريد ؛ ص ۳۸۱.

باید درباره اموری باشد که بوسیله آن وضع کشورت را اصلاح می کند و آنچه موجب قوام کار مردم پیش از تو بوده باشد.

حضرت امیر ع در این نامه به لزوم مدیریت و حمایت دولت از برنامه های غیر دولتی که برخاسته از اراده جامعه است پرداخته و می فرماید: (و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل و اجمعها فی رضا الرعیة ، فان سخط العامة یجحف برضا الخاصة و ان سخط الخاصة یغتفر مع رضا العامة و لیس احد من الرعیة اثقل علی الوالی مونة فی الرخاء و اقل معونة فی البلاء و اکره للانصاف و اسأل بالالاحاف و اقل شکرا عند الاعطاء و ابطأ عذرا عند المنع و اضعف صبورا عند ملومات الدهر من اهل الخاصة و انما عمود الدین و جماع المسلمین و العدة للاعداء العامة من الامة فلیکن صغوک لهم و ملیک معهم^{۴۳}) دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه ترین و در عدل فراگیر ترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می برد اما خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر می کند خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می کنند زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی تر و در خواسته هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش ها کم سپاس تر و به هنگام منع خواسته ها دیر عذر پذیر تر و در برابر مشکلات کم استقامت تر می باشند در صورتی که ستون های استوار دین و اجتماعات پر شور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می باشند پس با آنها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنان باشد. در این قسمت از نامه، حضرت در خصوص اهتمام ویژه حکومت به موسسات و نهادهای مردمی که، افکار عموم جامعه را نمایندگی کند معطوف می سازد، و در ادامه حضرت فرمان می دهد که، فعالیت های دولتی باید بر محوریت خواست و اراده جامعه متمرکز شوند.

تمدن و پیشرفت در سایه اسلام

دشمنان اسلام و مسلمانان از تلاش برای جلوگیری امت اسلامی، از اینکه دوباره هویت اسلامی و آن شوکتی که در گذشته داشتند را بار دیگر بدست آورند، بیکار ننشسته و دیده می شود، که برای شبهه افکنی و دوتا انگاری تشکل های مدنی و نهادهای دینی؛ و مقایسه کردن این دو نهاد؛ و کارکردهای آن، شبهه افکنی می کنند، که شما مردم از بین این دو نهاد (دین و مدنی) کدامیک را برمی گزینید؟ گویا این دو نهاد بینشان ضدیت وجود دارد و قابل جمع نیستند در حالی که وقتی به تاریخ برگردیم می بینیم که بشریت بدون عنصر دین به تمدن و فرهنگ و پیشرفت و ترقی دست نمی یافت و تنها در سایه دین توانست به این درجه از تکامل و پیشرفت دست یابد و با مراجعه به تاریخ می بینیم که اسلام وقتی که در جزیره عربستان ظهور کرد چگونه مردم و ساکنان آن سامان را، از آن درجه از انحطاط و عقب ماندگی به امتی با کرامت و عزت و آزادی که توانست تمدن عظیمی را در جهان شکل دهد، برساند.

^{۴۳} - نهج البلاغه نامه ۵۳.

پس نباید گمان برد که نهاد های مدنی، با دین ناسازگار است. و با اندکی توجه و دقت می یابیم، که برخی از نهادهای مدنی بقصد اجرای گزاره های دینی و برای عینیت بخشی به آموزه های دینی تاسیس و راه اندازی می شوند. لذا دو انگاری نهادهای مدنی با دین، اساسا اگر نگوییم که برای تشویش اذهان و شبهه افکنی است می گوئیم عدم شناخت صحیح ایندو امر (نهاد مدنی و دین) موجب شده که ایندو را مقابل هم بدانند و در صدد انتخاب یکی از آندو بر آیند^{۴۴}.

در راه شدن

امروزه شاهد آنیم که برای همگرایی و تقارب فرهنگ ها و تمدن ها (جهانی شدن) که اسلام به عنوان دینی جهانی (جهان شمول) خواستار آن است و به جهت فعال کردن آن، باید تمام پتانسیل و نیروی مسلمانان در راستای گسترش اسلام و آموزه های حیاتبخش آن، با توجه به این رویکرد بکار گرفته شود، قدم اول در اینجا این است که تمام خلأهای موجود در جوانب زندگی اجتماعی را، بوسیله نهادها و سازمان های مدنی پر کرد تا حرکت رو به جلو را با سهولت و سرعت بیشتری دنبال کرد؛ و در عین حال که کمیت را باید مورد توجه قرار داد، کیفیت لازم را نیز به همراه داشته باشند. این امر باید با برنامه ای سازمان یافته زیر نظر و اشراف مرجعیت و رهبری دینی، صورت گیرد و با این امید و انگیزه که، برنامه ها در راه اعتلا و قدرت یافتن امت اسلامی، و برای پیشبرد اهداف عالیه اسلام اجرا شوند. ما برای تحقق بخشیدن به این اهداف ندای: اسلام به تمام پیروان خود نیاز دارد؛ را سر دادیم و از تمام افرادی که این دغدغه را در دل دارند دعوت کردیم تا دست در دست هم دهیم و گام های خود را به سوی اهداف حرکت دهیم و به امید آنکه به سر منزل مقصود نائل شویم هرچند که ما مأمور به وظیفه ایم و مأمور به نتیجه نیستیم. با این وجود، دو سال است که این برنامه بشکل ابتدایی، راه اندازی شد، و تا کنون کارهایی مناسبی به ثمر نشست، که در این مختصر امکان شرح فعالیت های صورت گرفته نمی باشد؛ اما به دو نمونه از آنها بطور مختصر اشاره می شود:

^{۴۴} - ملت عراق به سرعت توانست بعد از فراهم آمدن زمینه های مناسب برای تغییر و تحول از وضع اسف باری که در آن به اسارت کشیده شده بود، خود را به آن سطحی از فرهنگ غالب کشورهای جهان برساند، در حالی که گذشته دراز مدت دردناکی از استبداد و ظلم و محرومیت و عدم توجه به علم و پیشرفت را تجربه کرده بود، و بدون هیچ گونه بستر سازی مناسب برای تحول در ساختار اجتماعی و سیاسی، خودش را به آن مراحل لازم از سطح جهانی برساند، و نهادهای مدنی را در زمینه های مختلف زندگی همچون علم و فرهنگ و اقتصاد و نیز امور مذهبی و اجتماعی و اخلاقی تأسیس کند. زنان جامعه با اینکه قشری بود که درد و آسیب و محرومیت و تبعیض بیشتری را از بین دیگر اقشار جامعه چشیده بود با این وجود گوی سبقت را در تغییر و تحول و راه اندازی نهادهای مدنی را به خود اختصاص داد و موجب شگفتی و خشنودی واقع گردید و تعامل منفی انسان های کوتاه بین و متحجر و مستبد، آنها را از تلاش و کوشش برای پیشرفت و ترقی باز نداشت.

۱- کارگاه ارتقاء و پیشرفت اجتماعی

این مرکز، با هدف ارتقاء بخشیدن به فنون و مهارت کارهای اجتماعی و سیاسی برای جوانان در بغداد تأسیس گردید. و شعبه ای از آن، بنام مرکز آمار شهید موید کعبی هم راه اندازی شد. و تا کنون آمار و تحلیل های متعددی را درباره امور مهم راه، در کارنامه خود به ثبت رسانده است. و همچنین نهاد ملی سازمان های غیر دولتی عراق (شموع) که خود بیش از هشتاد موسسه از نهادهای مدنی را سرپرستی و زیر نظر دارد. این سازمان در اولین فعالیت عمومی خود، که مراقبت از انتخابات کشور بود شرکت کرد؛ و بیش از سه هزار نفر راه، برای مراقبت از صندوق های رای گیری، به تعدادی از استان ها فرستاد. که در آن انتخابات، آمار خوبی را از جهت، امنیت، و عدم تخلف و تقلب در انتخابات را به ارمغان آورد. با وجود اینکه، از زمان تأسیس این تشکل مردمی، بیش از یک ماه نمی گذشت و در عین حال، امکانات موجود در حد صفر بود؛ اما با این حال، همت و اراده عمومی وقتی به منصفه ظهور می رسد، چنین کارایی از خود نشان می دهد. این سازمان مردم نهاد، پس از انتخابات، ردیف خوبی را در بین دیگر سازمان های دولتی نظارت کننده در انتخابات، را برای خود رقم زد و ثابت شد که اینگونه نهادها می توانند نقش بسزایی را در پیشرفت و نشاط جامعه ایجاد کنند.

این نهاد با وجود تمام مشکلات و کمبودهایی که با آن روبروست، در عین حال، همت خود را در راه ارتقاء بخشی به فرهنگ سیاسی کشور، و پشتیبانی از نهادهای مدنی وقف کرده، و در تمام استان های کشور تا کنون، مشغول بفعالیت می باشد.

۲- انجمن مرکز الیتیم

این تشکل با همت گروهی از زنان و بانوان با ایمان تأسیس گردید. این انجمن به مرور زمان توانست شعبه های متعددی راه، راه اندازی کند. این سازمان آثار مثبت فراوانی را از خود نشان داد. مرکز الیتیم، ده ها نفر از ایتام و فرزندان بی سرپرست را تحت پوشش خود قرار داده، و امور مربوط به آنها راه، ساماندهی می کند و کمک های لازم را جهت بهبود حال آنان جمع آوری، و با برنامه ای خاص، در اختیار آنان می گذارد و از درد و رنج مشکلات و شرایط بوجود آمده برای آنان می کاهد.

و نیز، زنان بی سرپرست و بیوه را تحت سرپرستی و تکفل قرار داده است. و امور فرهنگی و آموزشی را برای آمادگی برای زندگی با کرامت، و با شرایط ویژه راه، به آنها آموزش می دهند و آمادگی های لازم را برای ورود به مرحله جدیدی از زندگی با شرایط دشوار را زمینه سازی می کنند.

راهکارهای لازم برای پر ثمر بودن نهادهای مدنی

مرحله مقدماتی و در عین حال اساسی برای شروع، همان تأسیس و راه اندازی نهاد مدنی است. زیرا بعد از بوجود آمدن آن، سایر مراحل را می توان قدم به قدم بوجود آورد و نیازهای گوناگون را پوشش داد و فعالیت های مختلف راه، در پی خواهد داشت.

پس از آن، مرحله آشنایی اعضا، و در قدم بعد شناخت ایده ها می باشد و در عین حال اعضای تشکل بتوانند تجارب خود را بین هم مبادله کنند و باید پس از سپری کردن مراحل مقدماتی در هیئت مرکزی نهادهای مدنی (همم) برای تأیید نهایی و سازماندهی فعالیت و تقسیم کارها به پیش رفت، تا زمان آن فرا رسد که در امور ذیل وارد شد:

۱) تدوین آیین نامه

ایجاد و توزیع کتابی که در آن فلسفه و هدف از راه اندازی نهادهای مدنی و تعریف آن و فعالیت های ویژه آنها و نقشی که می تواند در جامعه ایفا کند. و پاسخگویی و رد به شبهاتی، که در مورد نهادهای مدنی و مغایرت آن با نهادهای دینی و مذهبی وارد شده است؛ زیرا در گزارشاتی که از مردم و جامعه نقل می شود، برخی افراد دانسته یا ندانسته سوال می کنند که شما نهادهای مدنی را خواستارید یا نهادهای دینی و مذهبی را؟ گمان می رود، این سوالات منشأ تاریخی داشته باشد و از نحوه تعامل کلیسا و روحانیون مسیحی در قرون وسطی ناشی شده است زیرا کلیسا، در آن دوره از تاریخ خود، مانع پیشرفت و ترقی جامعه بشری بود و با علم و فناوری سخت مخالفت می کرد، لذا برخی این ترس و احتیاط را دارند که دین اسلام و روحانیت چنین طرز تفکری که در قرون وسطی حاکم بر جامعه بود را دارند یا نه، لذا این یک احتیاط عقلانی است.

اما باید دانست که اسلام تفاوت بسیار با مسیحیت دوران وسطی دارد؛ اسلام خود عنصر مهمی در تمدن سازی جامعه بود و با اندک زمانی پس از پیدایش، جامعه بدوی و ابتدایی آن روزگار را به حکومتی عظیم که امت بزرگ اسلام را رهبری می کرد تبدیل کرد، و با سرعتی باور نکردنی، جامعه آشفته و بی سامان آن دوره را، سروسامان داد و امتی یکپارچه و متحد و دارای فرهنگ ناب دینی ساخت و در سایه آن، توان رویارویی با ابر قدرت های آن زمان (امپراطوری ایران و روم) را پیدا کرد.

در نظام و ساختار حکومت دینی در صدر اسلام، نهادهایی همچون وقف، نذر و قانون، نظیر قانون بیت المال، و نیز سازمان دادگستری و دادگاه نظامی و دار الحکومه و بیت الحکمه و دیگر نهادها را در خود داشت، که برخی از آنها همانند نذر و وقف بدون شک نهاد مدنی هستند پس می شود نهادهای مدنی، در راستا و طول نهادهای دینی قرار گیرند و مسیر واحدی را برای اداره هرچه بهتر جامعه داشته و در عین حال ضدیتی باهم نداشته باشند تا شبهه ای از این جهت وارد آید.

۲) سازمان اداری

هیئت مرکزی نهادهای مدنی باید برای سامان دادن و سازماندهی کردن فعالیت و کارها، ساختار اداری سازمان را تعریف کند، و آیین نامه داخلی برای خود داشته باشد و در ضمن، یک ساختمان اداری و اجرایی را برای پیگیری و انجام کارهای تعریف شده در خصوص تشکل های زیر مجموعه ی خود دایر کند و اموری را که مورد توافق و تفاهم میان نهادهای مدنی با ادارات دولتی و وزارتخانه ها را، دنبال و

پیگیری کند. اموری همچون: شناسایی خانواده های نیازمند، و معرفی آنها به وزارت کار و امور اجتماعی، برای اینکه آنها را تحت پوشش موسسات اجتماعی قرار دهند. و نیز کمک به سازمان اوقاف تا اینکه موضوع ازدواج جوانان را مورد بررسی، و مشکلات آن را مورد مطالعه قرار دهد؛ و نیز به مساعدت وزارت مهاجرت و مهاجرین، برای کمک به خانواده هایی که به سبب حکومت مستبد سابق آواره شدند، بپردازند؛ و نیز پیگیری های لازم، خصوص ایجاد فرصت کار و اشتغال برای فرزندان خانواده های نیازمند و نیز خانواده های شهدا، زندانیان، آواره و مظلوم.

اولویت دیگری که باید به آن پرداخت، راه اندازی دفتر میریت هیئت مرکزی نهادهای مدنی است، تا بتوان برای پیشبرد اهداف از پیش تعیین شده، بهتر مورد اجرا و عمل قرار گیرند. زیرا کشف و شناسایی شعب و نهادهای زیر مجموعه، مکان و نوع فعالیت آنها و دیگر امور مربوطه، نیازمند مکانی مناسب است تا بتوان بهتر به امور رسیدگی و آنها را برای حرکتی واحد در راستای سازندگی، ساماندهی و سازماندهی کرد، و در عین حال با احاطه بیشتر، بتوان تقسیم کار مناسب، صورت گیرد.

مطلب مهم دیگری که حائز اهمیت است شناسایی مناطقی که فعالیتی از این قبیل کارها در آنها صورت نگرفته و نمی گیرد، است. این امر نیز باید جزء فعالیت نهادها باشند و مورد پیگیری قرار دهند؛ نکته دیگری که شایان توجه است دوری و پرهیز از، موازی کاری است و این خطای تشکیلاتی را، با مدیریت قوی و متمرکز می توان مهار و از آن اجتناب کرد. و همچنین زمینه هایی که مورد غفلت واقع شده اند را باید شناسایی کرد تا بتوان تمام نقاطی که منشأ عقب ماندگی و یا مانع پیشرفت هستند را بر طرف نمود.

همچنین، نیاز است که قسمتی را برای آمار، اختصاص داد و افرادی را که صاحب حرفه و تخصص هستند، و آمادگی های لازم برای کار و اشتغال را دارند را، در دفتر مخصوصی قید کنند تا در مواقع نیاز به سرعت بتوان خلأها را پر کرد، که نیاز به فراخوان و امور مقدماتی دیگر نباشد تا در فرصت مناسب که زمینه کار و فعالیت ایجاد شد وقفه ای در آن ایجاد نشود و سرعت بتوان کارها را به پیش برد. کارهای دیگری برای پرداختن وجود دارد که از ضرورت بسیار برخوردارند، که برای رسیدن به هدف باید لحاظ شوند، اما بجهت اختصار در اینجا، ذکر آنها مناسب نیست و در ضمن مطالب دیگر از آنها یاد می شود، یا به کتاب های دیگر که ارجاع می دهیم موکول می گردد.

اهداف نهادهای مدنی

باید دانست از آنجایی که نهادهای مدنی، تشکیلاتی مردمی هستند و برای اینکه بتوانند، به مرحله تولد و تاسیس برسند و در ادامه، بقا و حیات داشته باشند؛ و در عین حال به اهدافی که برای آن بوجود آمدند نائل آیند باید حمایت و پشتیبانی مردمی داشته باشند؛ در غیر این صورت، این گونه سازمان ها، با مشکلات مختلفی روبرو خواهند شد و شاید نتوانند به حیات خود ادامه دهند، زیرا این سازمان ها وابستگی تام به مردم و جامعه دارند و اگر جامعه پذیرای آنها نباشند نمی توانند به حیات خود ادامه دهند، لذا برای اینکه مردم از نوع و نحوه فعالیت و اهداف نهادهای مدنی اطلاع پیدا کنند، و انگیزه پشتیبانی و

مشارکت هر چه بیشتر آنها را در پی داشته باشد، باید مجموعه ای را تدوین کرد و در آن سازمان های غیر دولتی را تعریف کرد، و کارکردها، اهداف، فواید و آثار آنها را شرح و توضیح داد، تا بتوان افکار عمومی را آگاه و اقناع کرد تا این نهادها با مشکلی از این ناحیه روبرو نشوند؛ در ادامه به اهداف نهادهای مدنی بطور مختصر اشاره می کنیم:

۱- پوشش دادن به تمام نیازهای ضروری جامعه، زیرا درگیر شدن و مصروف ساختن تمام نیروها در موضوع واحدی همچون مسائل سیاسی باعث می شود که بیشتر مسائل دیگر جامعه که از حیث ارزش و اهمیت کمتر از مسائل سیاسی نیستند بر زمین بمانند؛ همچون مسائل فرهنگی و اجتماعی و دینی و اقتصادی و ورزشی و مسائل مهم دیگر جامعه.

۲- ایجاد زمینه های مساعد برای خدمات اجتماعی و خدمت رسانی عمومی به جامعه با هدف و انگیزه تقرب و نزدیکی به خداوند متعال، و این همان وجه تمایز بین انسان مکتبی از دیگر افراد می باشد چونکه اولی فقط خواستار سروسامان دادن به خود نیست، بلکه می خواهد که زمینه های مناسب و مساعد برای همه ایجاد شود تا در سایه آن بتوانند به هدایت و تقرب برسند و به کمالات انسانی نائل آیند؛ در ضمن باید دانست که تشکیلات و سازمانهای سیاسی همچون احزاب و اصناف ظرفیت پذیرش کار تمام نیروهای فعال در جامعه را ندارند، و درگیر شدن همه در اینگونه کارها باعث می شود که موازی کاری و تنش و درگیری در این کارها بیشتر شود؛ پس برای کاستن از این گونه آفت ها باید به مسائل دیگری که جای کار هست، پرداخت؛ در عین حال باید حقوق سیاسی تمام افراد، همچون حق نامزد شدن، پست های مهم سیاسی گرفتن و دیگر حقوق محفوظ بماند. در این خصوص بطور مفصل در شماره ۱۰۳ خطاب مرحله بیان کردیم.

۳- در شماره ۶۵ خطاب مرحله گفتیم آنچه ای که امام عصر عج از شیعیانش انتظار دارد اینست که خود را برای حکومتی منظم و سازمان یافته که بر اساس قواعد و اصول تمدنی است آماده سازند پس هر قدمی که در این راه برداشته شود مقدمه ای برای ظهور پر میمنت و مبارک ایشان می باشد. حضرت حکومتی را بر پا می کند که همه بشریت از عظمت و بزرگی این نظام، که سازمان و تشکیلاتی با مدیریت و سازماندهی قوی پر شده، مبهوت می سازد، و موجب می شود که همه به بی نظیر بودن آن اقرار و اذعان کنند همانگونه که ساحران فرعون وقتی عظمت و بزرگی معجزه حضرت موسی ع را دیدند تاب تحمل و مقاومت در برابر حق را نداشتند و به سجده افتادند^{۴۰}.

۴- نظارت بر موسسات دولتی برای تحقق بخشیدن به وظایف و رسالت خود؛ در حالی که دیده می شود که موسسات دولتی به وظایف خود پایبند نبوده، و بر اساس مصالح و منافع حزبی و شخصی؛ و زد و

^{۴۰}- فوق الحق و بطل ما كانوا يعملون - فغلبوا هنا لك و انقلبوا صاغرين - و القى السحرة ساجدين - قالوا آمنا برب العالمين - رب موسى و هرون. (پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد - و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند - و ساحران به سجده درافتادند - گفتند: به خداوند جهانیان ایمان آوردیم - پروردگار موسی و هارون) سوره اعراف ۱۱۸ تا ۱۲۲.

بند های سیاسی از کارهای خود غافل مانده اند. نهادهای مدنی با نظارت و بررسی می تواند در رفع اینگونه مشکلات نقش بسزایی داشته باشند.

۵- در راستای فعالیت وسیع و پر دامنه این نهاد ها می توان نیروی با کفایتی را برای اداره پست های مناسب کشور پرورش داد که اخلاص و شایستگی، و کارشناسی و پر تلاش بودن (تعهد و تخصص) خود را در این نهادها به اثبات رسانده باشد.

۶- ملت با توجه به عملکرد سوء احزاب و گروهها، دیگر اعتمادی به آنها ندارند و این سبب شده است که این گروهها کارایی خود را از دست بدهند و مردم به نهادهایی روی می آورند که قول و عمل صادقانه ای داشته باشند و مصالح و منافع عمومی را بر مصالح و منافع خود ترجیح بدهند و این نهادها می توانند از این پشتوانه بزرگ ملت بهترین استفاده را برای پیشبرد اهداف انسانی و اسلامی خود بردارند و گام هایی را برای ملت و مصالح کشور بر دارند.

این اهداف هستند که مسیر را معین می کنند و هرگونه غفلت از این اهداف باعث انحراف و دور شدن از مسیر اصلی می شود برای همین است که قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت ع بر اهمیت ذکر و یاد خداوند متعال تاکید می کنند و بهترین اعمال را یاد خداوند معرفی کرده اند، زیرا هدف و غایت اوست و ذکر و یاد او که مقصد و هدف اصلی است باعث می شود که همیشه متذکر باشیم و بدانیم، که مسیر و هدف کجاست، تا از راه دور و به بیراهه نزنیم.

اولویت نهادها، شناسایی و درمان فرهنگ بیمار جامعه

یکی از کارهایی که نیاز است نهادهای مدنی در اولویت فعالیتهای خود قرار دهند این است که ناهنجاریهای جامعه و هر آنچه که زمینه ی ناهنجاری را ایجاد کند را شناسایی کنند و در صدد حل و رفع آن بر آیند زیرا اگر تهدیدات و خطرات محسوس و نامحسوس، که جامعه را نابودی می کشاند را، نشناسیم موجب می شود که بدون اینکه بدانیم خودمان را در معرض آنها قرار بدهیم و در نهایت عامل نابودی خود و جامعه را، سبب شده ایم؛ اموری همچون به تاخیر افتادن سن ازدواج دختران و نیز بی میلی پسران به ازدواج و زیاد شدن تعداد بیوه گان و فرزندان بی سرپرست و دیگر خطرات. باید نهادها بعد از شناسایی آفت ها و تهدیدات، به فکر و اندیشه جمعی برسند که با چه راهکارهایی می توان به مقابله با آنها رفت، و جامعه را از خطرات پیش رو نجات داد. طبق آماری که نقل شده است در کشور عراق، تعداد بیوه گانی که در سن و شرایط ازدواج هستند به یک میلیون نفر و حتی بیشتر رسیده است و حتی نمی توان نام بیوه را بر برخی از آنها نهاد زیرا سن آنها کمتر از بیست سال می باشد و اگر ما تا به الآن با این مشکلات سر آوردیم و آثار منفی آن ظاهر نشده، به برکت آموزه های دینی و مذهبی، و اخلاق و آداب حاکم بر جامعه ما می باشد و باید قبل از اینکه آثار و آفت این بیماری اجتماعی در جامعه سرباز نزده است، به فکر درمان و حل آن برآییم و با بصیرت افزایی و فرهنگ سازی به قبول تعدد زوجات به اعتبار اینکه این تنها راه شریف و کریمانه ای ست، که می توان مشکلات زنان جامعه، و رویارویی با این تهدید را با آن معالجه و در حقیقت، مقابله کرد. و از دیگر مشکلات، امر مسکن می

باشد؛ ساز و کار پیشنهادی ما برای حل مشکل مسکن این است که مسکن هایی با قیمتی مناسب و با قسط بندی دراز مدت، که به اسم زنان در بیاید و برای تشویق فرزند دار شدن تسهیلاتی از قبیل کم کردن اقساط مسکن با تولد فرزند، و اینکه بدون عوض، حذف شوند. و همچنین راه حل های دیگر.

باید برای شناسایی مشکلات و تهدیدات از روش هایی همچون گرفتن گزارش و پرسش نامه و آمار دنبال و پیگیر شد تا بتوان همه ی مشکلات را رصد کرد و خللی در کارها و نتایج ایجاد نگردد زیرا اگر آفت ها با نگاه تیز و با بصیرت شناسایی و درمان نشوند نتیجه ی ثمربخشی در پی نخواهد داشت و شاید نتیجه عکسی را به دنبال خواهند آورد و باید از همه دردها و شکایات مردم استقبال کنید و حرف و سخن آنها را بشنوید تا مشکل را بفهمیم و بهتر بتوان درمان و مقابله صورت بگیرد زیرا تشخیص بیماری بهترین راه برای درمان آن می باشد از آنجایی که یکی از اصول و ارکان نهادهای مدنی داوطلبانه و به قصد احسان و غیر انتفاعی بودن آن است باید دانست که احسان و نیکی به مردم و مسرور و شاد کردن آنها، و بر طرف کردن گرفتاری و مشکلات آنان از بهترین راه هایی است که انسان را به خداوند متعال نزدیک می کند و در کتاب (شکوی الامام) در فصل عناصر شخصیت مسلمان در بخش روایات اهل بیت ع بدان بتفصیل اشاره کرده ایم.

اسلام و دعوت به جامعه مدنی

اسلام در چهارده قرن گذشته، پیش از دنیای متمدن امروز که به راه اندازی نهادهای مدنی می بالد و افتخار می کند ، مردم را به تشکیل نهادهای مدنی دعوت می کرد و دقیقاً همین عملکرد موسسات و نهادهای معاصر را در فعالیت های خود داشت؛ همچون جمع آوری کمک ها و رساندن آنها به مستحقین و نیازمندان و ... اما با تفاوتی اساسی بین دو عملکرد، تفاوت اول در انگیزه و اخلاص در عمل؛ و ثانیاً در کارآمد بودن و تاثیر آن، و تفاوت دیگر در امانتداری آنچه در دست داشتن می باشد. در دین مبین اسلام آموزه هایی وجود دارد که مسلمانان را به تاسیس تشکل های مدنی سوق می دهد، در ذیل به ذکر و شرح مشوق ها می پردازیم.

انگیزه های دینی در راه اندازی نهادهای مدنی

با توجه به کارنامه نهادهای مدنی می توان عناوین انگیزه ساز متعددی را برای تاسیس و تشکیل نهادهای مدنی (از جمله آنها، نهاد مدنی رسیدگی به امور مستضعفین، و جمع آوری کمک های نقدی و غیر نقدی و توزیع عادلانه به آنها) بر شمرد از آن موارد:

۱- پاداش خداوند متعال را در پی داشتن؛ همانطور که روایات و احادیث زیادی در این باره در مجامع روایی ما آمده است که گفته می شود بگونه ای اجر و پاداش می برد که به اندازه آن فردی که کمکی در راه خدا کرده است می باشد مانند این حدیث پیامبر اکرم (ص) که می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَيُرَبِّي لَأَحَدِكُمْ**

الصَّدَقَةَ- كَمَا يُرَبِّي أَحَدَكُمْ وَلَدَهُ- حَتَّى يَلْقَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ مِثْلُ أُحَدٍ^{٤٦}. خداوند بگونه ای صدقه های شما را می پروراند، -همانند شما در پرورش فرزندان-، تا اینکه به اندازه ای بزرگ شوند که به همانند کوه احد در آیند.

و در حدیثی دیگر رسول اکرم ص می فرماید: ارض القيامة نار، ما خلا ظل المومن فان صدقته تظله^{٤٧}. زمین قیامت آتش است مگر جایی که مومن قرار گرفته، که صدقه او (در دنیا)، بر سرش سایه می اندازد. و حضرت امام علی (ع) در این خصوص می فرماید: الصدقة جنة من النار^{٤٨}. صدقه سپری در برابر آتش است.

۲- وجود و تاسیس نهادهای مدنی و داشتن فعالیت گسترده در یک جامعه از مظاهر و ویژگی های جامعه متمدن و پیشرفته می باشد. خرسندی و خوشحالی، و تمجید دیگران را در پی خواهد داشت.

۳- وجود نیاز شدید جامعه به نهادهای مدنی، مثالی که در اینجا قابل ذکر است اینکه آمار رسمی کشور عراق اعلام کرده است که نسبت فقر و نیازمندی در کشور عراق ۲۴ درصد می باشد یعنی یک چهارم جمعیت این کشور می باشد که در واقع بیش از هشت میلیون از افراد این کشور فقیر می باشند.

و این گزارش از سوی مرکز آمار باید آثاری را در جامعه ایجاد کند و جامعه خودش را از این بیماری که آثار زیانباری را در پی خواهد داشت نجات دهد در این خصوص افراد توانمند باید فعالیت ویژه ای داشته باشند و دست یاری به نیازمندان بدهند و در اینباره باید سازمان بزرگی تاسیس شود و افراد توانمند از طریق آن سازمان کمک های خودشان را به افراد فقیر و نیازمند برسانند و این سازمان نقش واسطه را بین این دو قشر را داراست زیرا افراد توانمند و دارای ثروت، به دلیل فعالیت و کارهای بسیار، از ورود مستقیم به اینگونه برنامه ها ناتوان هستند و باید یک حلقه اتصالی پدید آید و ایندو را بهم متصل کند.

در سختی ها همه مسئولند

وجود عدد به این بزرگی (بیش از هشت میلیون نفر) در یک جامعه خطر بزرگی را ایجاد می کند و همه باید در برابر آن احساس مسئولیت کنند و هر یک از افراد جامعه با توجه به توانمندی های خود باید این مساله را جدی بگیرد و در راه حل آن سعی و کوشش خود را بکار گیرد. خداوند متعال در این یاری همگانی، عنایات ویژه ای را طبق وعده هایی که در آیات و روایات وارد شده خواهد داشت. این گزارش

^{٤٦}- وسائل الشیعة ج ۹ ص ۳۸۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَمَامِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَيُرَبِّي لِأَحَدِكُمُ الصَّدَقَةَ- كَمَا يُرَبِّي أَحَدَكُمْ وَلَدَهُ- حَتَّى يَلْقَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ مِثْلُ أُحَدٍ.

^{٤٧}- من لا يحضره الفقيه ج ۲، ص: ۶۶.

^{٤٨}- وسائل الشیعة؛ ج ۹، ص: ۳۷۲ - عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: الصَّدَقَةُ جَنَّةٌ.

ها و اخباری که از وسایل خبر رسانی می بینیم و می شنویم ما را در برابر خداوند متعال مسئول می سازد و باید جوابگوی خداوند متعال باشیم و در صورت کوتاهی و بی اعتنائی سرزنش و عقاب را به همراه خواهد داشت.

در این مشکلات و سختی های درد آور که جامعه ما را در بر گرفته است ستم هایی در حق همدیگر روا می داریم و خود را بر دیگران مقدم می داریم و خود مدار می شویم بویژه سیاستمداران که زمام امور را بدست گرفتند و اموال عمومی و بیت المال را تحت سیطره و مایه حکمرانی و قدرت خود قرار داده اند و خلاف پیام قرآن که می فرماید: (کی لا یكون دولة بین الاغنیاء منکم)^{۴۹} تا این اموال عظیم در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد، رفتار می کنند.

باید دانست که عراق یک کشور غنی و پر درآمد می باشد و بودجه سالیانه آن بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار می باشد و در این چند ماه اخیر به دومین صادر کننده نفت در اوپک بعد از عربستان رسید اما با این وجود چرا هموطنان این کشور با فقر و تنگدستی، روزگار خویش را سپری می کنند؟

خداوند متعال روزی بندگان خود را با چشم پوشی از نفت و درآمدهای آن، در زمین قرار داده و همه می توانند زندگی آبرومندانه و با عزت داشته باشند و احادیث و روایات حاکی از آنند که وجود فقر و تهیدستی طبیعی در حدود ۲/۵ درصد می باشد و در شرع مقدس اسلام فقیر بر کسی اطلاق می شود که، از برآورده کردن اسباب اولیه زندگی کریمانه و آبرومند از جمله منزل برای سکونت و اسباب ازدواج و درآمد مناسب ناتوان باشد اما وضع نابهنجار فقر و ناتوانی در جامعه امروز ما، به هیچ شکل دینی و اسلامی نیست.

از جمله روایاتی که نسبت فقر طبیعی در جامعه را به میان آورده است می توان به روایت ابو جعفر احول، استناد و استدلال کرد که از امام صادق (ع) سوال می کند: کیف صارت الزکاة من کل الف، خمسة و عشرين درهما؟ چگونه شد که از هر هزار درهم، بیست و پنج درهم آن بعنوان زکات واجب شد؟

امام صادق (ع) در جواب این سوال می فرماید: ان الله عزوجل حسب الاموال و المساکین فوجد ما یکفهم من کل الف، خمسة و عشرين، و لو لم یکفهم لزادهم^{۵۰}. خداوند متعال اموال و فقرا را باهم سنجید و حساب کرد و یافت که آنچه آنها را کفایت می کند از هر هزار درهم، بیست و پنج درهم می باشد و اگر این مقدار آنها را کفایت نمی کرد بیش از آن مقدار را معین می کرد.

^{۴۹}- سوره حشر آیه ۷.

^{۵۰}- وسائل الشیعة؛ ج ۹، ص: ۱۴۷.

در این بین روایت دیگری در مجامع روایی ما وجود دارد که راوی آن قثم است که از امام صادق (ع) می پرسد: جعلت فداک اخبرنی عن الزکاة کیف صارت من کل الف، خمسة و عشرين، لم تکن اقل او اکثر، ما وجهها؟ جانم فدای شما از زکات سوال داشتم و آن چگونه شد که از هر هزار درهم، بیست و پنج درهم از آن، نه کمتر و نه بیشتر بعنوان زکات واجب شده است علت آن چیست؟

امام صادق (ع) در جواب او می فرماید: ان الله عزوجل خلق الخلق کلهم فعلم صغیرهم و کبیرهم و غنیهم و فقیرهم فجعل من کل الف انسان، خمسة و عشرين فقیرا و لو علم ان ذلک لا یسعهم لزادهم لانه خالفهم و هو اعلم بهم^{۵۱}. خداوند عزوجل وقتی که تمام خلایق را آفرید به کوچک و بزرگ آنها و به فقیر و ثروتمند آنها آگاه بود و از هر هزار نفر از انسانها بیست و پنج نفر را تهی دست قرار داد، و اگر می دانست که این مقدار از زکات آنها را کافی نیست بیشتر می کرد زیرا که او آفریننده آنهاست و به احوال آنها آگاه تر است.

باید دانست که فقر و تهیدستی برای فقرا امتحان و آزمایش است که در صورت صبر بر این امتحان پاداش صابران را برای خود به ارمغان می برند، همانگونه که قرآن کریم در آیه (انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب)^{۵۲} می فرماید: بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب و به تمام خواهند یافت. و در مقابل مال و ثروت برای ثروتمندان هم مایه آزمایش و امتحان می باشد که آیا آنچه را که خداوند متعال به آنها دستور داده است عمل می کنند؟ که مقداری از آنچه را که به آنها عطا کرده، را به فقرا و تهی دستان بدهند، آیا این فرمان الهی را انجام می دهند؟ تا در صورت فرمان پذیری به پاداش انفاق کنندگان برسند یا خیر.

اگر ثروتمندان و افراد توانمند به مسئولیت خودشان پایبند بودند و فرمان الهی را اطاعت می کردند، حال بی نوایان و فقرا به این وضع اسف بار نمی رسید. از امام صادق (ع) روایت شده است که ایشان فرمودند: انما وضعت الزکاة اختیارا للاغنیاء و معونة للفقراء و لو ان الناس ادوا زکاة اموالهم ما بقی مسلم فقیرا محتاجا و لاستغنی بما فرض الله له و ان الناس ما افتقروا و لا احتاجوا و لا جاعوا و لا عروا الا بذنوب الاغنیاء، و حقیق علی الله تبارک و تعالی ان یمنع رحمته ممن منع حق الله فی ماله^{۵۳}.

زکات برای آزمودن توانگران و کمک به نیازمندان وضع شده است اگر مردم زکات مال خود را می پرداختند یک مسلمان بینوا باقی نمی ماند و همه نیازمندان با همین حقی که خداوند واجب کرده است بی نیاز می گشتند، بینوا و گرسنه و برهنه ای باقی نمی ماند مگر به واسطه کوتاهی ثروتمندان، شایسته است که خداوند تبارک و تعالی رحمت خود را از کسی که زکات نمی دهد، بگیرد.

^{۵۱} - الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۳، ص: ۵۰۹.

^{۵۲} - سوره زمر آیه ۱۰.

^{۵۳} - من لا یحضره الفقیه؛ ج ۲، ص: ۷.

اما باید به معانی پر اهمیت و مصداق اهم اتفاق توجه شود که در حقیقت همان اتفاق معنوی «تعلیم و تربیت» می باشد؛ آموزش آنچه که از احکام دین نمی دانند و راهنمایی کردن کسانی که به بی راهه می روند و کسانی که پا را بر لبه پرتگاه انحراف و گمراهی می نهند و کسانی که طریق اشتباهی را می پیمایند و نیز جلوگیری از فرهنگ های غلط و غیر انسانی و اسلامی، این جای بحث مفصل و مجال دیگری می طلبد که در وقت مناسب باید به آن پرداخته شود.

با توجه به مطالبی که گذشت جای هیچ عذر و بهانه ای نیست که از مسئولیت خودمان سرباز زنیم و در آن کوتاهی کنیم؛ هر کس به اندازه توان خود نقش آفرین می باشد و باید دست به دست هم دهیم و نهادهای مدنی را در امور متفاوتی همچون فرهنگ و آموزش و امور اجتماعی و تبلیغی و کمک رسانی و سازندگی، و تمام زمینه های مورد نیاز دیگر را باید بوسیله سازمان هایی که عهده دار پیگیری آنها می شوند، تاسیس کرد و باید از خداوند متعال در این راه کمک بخواهیم تا ما را در انجام وظایف و مسئولیتمان یاری دهد و با عنایات الهی امور خودمان را از این طریق سامان ببخشد.

فراخوان عمومی برای تاسیس نهادهای مدنی

سازمان ها و موسسات دولتی و مراکز حکومتی باید در تاسیس نهادهای مدنی و تشکل های مردم نهاد سهم بسزایی داشته باشند و برای اینگونه فعالیت ها و حرکت های اجتماعی که در راستای ساماندهی به امور جامعه پدید می آیند ارزش و اهتمام ویژه، و تسهیلات روند شکل گیری، را داشته باشند و مردم هم باید با راه اندازی موسسات مدنی کوتاهی های دست اندر کاران بخش های دواتی و سیاسی را جبران کنند و خلاء هایی که ایجاد می شوند را با برنامه ها و فعالیت های خود پر کنند تا حرکتی را که جامعه در پیش گرفته را در عین حالی که همه جوانب امر را مدنظر داشته باشد، با نشاط و امید به راه خود ادامه دهد؛ در جامعه باید به گونه ای کارها صورت بگیرد که همه جانبه و همه جوانب امر مد نظر قرار بگیرد و فعالیت مستمر و بدون وقفه در مسیر که قرار گرفته، با حکمت و درایت ادامه پیدا کند زیرا غفلت در این امر باعث می شود که هزینه های هنگفتی از بین بیرون و تلفات مالی و زمانی، به جامعه تحمیل شود لذا باید در این مسیر از هر گونه غفلت و نابرداری، اجتناب شود.

از آن جهت که افراد جامعه دارای سلايق و استعداد های متفاوتی هستند باید تنوعی در برنامه و فعالیت تشکل های اجتماعی صورت بگیرد تا تمام افراد و اقشار جامعه که می توانند و بخواهند در امور جامعه فعالیت داشته باشند بتوانند در همان امر مورد علاقه و تخصص خود، با نشاط و اراده، کار و تلاش خود را داشته باشند و همه در سامان بخشیدن به کشور خود سهیم باشند.

مرجعیت دینی و تاسیس نهادهای مدنی با رویکردی اسلامی

رهبران دینی جامعه می توانند در ایجاد چنین فرصت هایی که بشود همه اقشار جامعه را در سرنوشت کشور شریک، و استعدادهای افراد، برای استغنا بخشیدن به امور جامعه شکوفا کنند، نقش سازنده ای

داشته باشند و برای ایجاد کار و اشتغال، و پشتیبانی و حمایت از ملت، و راهبری نیرو و پتانسیل جوانان جامعه، در راستای سامان بخشی به کشور، قدم برداشت در این صورت است، که می توان با عزم و اراده جمعی افراد جامعه، و همراهی نخبگان، که نیروی عظیمی را تشکیل می دهد، به اهداف بلند اسلامی و آرمان های دینی دست یافت.

خبره بودن رهبر اسلامی

از شرایط لازم و ضروری برای رهبر دینی جامعه اسلامی، داشتن تخصص و آگاهی های لازم و آشنا به شرایط و مقتضیات زمان و مکان برای اداره امور جامعه می باشد. رهبر جامعه در صورتی که به اموری که برای اداره جامعه ضروری است آگاهی نداشته باشد باید با استفاده از کارشناسان و اهل فن در اداره جامعه بهره ببرد اما چه کسی شرایط و شایستگی رهبری جامعه را داراست؟ و به چه نحوی به رهبری می رسد؟ در جواب این پرسش ها باید گفت که بهترین راه حل این است که علمای دین باید مجموعه ای از نخبگان جامعه را برای کشف و تشخیص فردی که شرایط رهبری و مرجعیت جامعه را داشته باشد تشکیل بدهند، و بعد از یافتن فرد صالح و شایسته، او را برای رهبری و مرجعیت تعیین و معرفی کنند، و مردم را بسوی او دعوت کنند تا با اطاعت از فرامین او در امور شرعی و اجتماعی و اداری، بتوان حرکت جامعه را بسوی اهداف از پیش تعیین شده هدایت کرد و به سر منزل مقصود رسانند.

باید دانست که حرکتی را که انبیاء و پیامبران ع و ائمه ع برای اداره امور جامعه شروع کردند بوسیله مرجعیت فقهاء ادامه پیدا خواهد کرد و در راستای همان پروسه، به سوی هدف حرکت می کند. در کتاب (دور الائمة فی الحیة الاسلامیة) دهها مصداق را، از باب مورد و مثال از نقش ائمه ع در اداره امور جامعه اسلامی، آوردیم، تا مویدی برای این دیدگاه و نظر در کنار ادله باشند.

همچنین با مطالعه و تحقیق در سیره عملی پیامبر اکرم ص به نتایجی در مورد ویژگی های روحی و روانی و نیز خصوصیات اخلاقی رهبر اسلامی دست یافتیم، که در کتاب (الاسوة الحسنة للقيادة و المصلحین) بهترین اسوه و الگو برای مصلحان و رهبران، به تفصیل آمده است.

سپس در رساله عملیه بنام (سبل السلام) که به بیان احکام و تکالیف در امور عبادی و بندگی مکلفان همچون طهارت و نماز و روزه، و نیز امور اجتماعی همچون ازدواج و خرید و فروش و در نهایت به امور عام، همچون قضاوت و حل و فصل خصومات که در زندگی روزمره اجتماعی ایجاد می شوند پرداخته شده است؛ در مقدمه این کتاب بصورت مختصر به نقش مرجعیت دینی در زندگی اجتماعی و اداره جامعه با تعیین خطوط کلی اشاره کرده ایم، تمام این مسائل به شکل دقیق از قواعد و اصول صحیح و از منابع معتبر اسلامی استنباط و استخراج شده اند.

در این کتاب ادعا شده است که دین مبین اسلام داعیه دار اداره جامعه و رسیدگی به تمام شئون زندگی انسان ها در تمام مکان ها و زمان ها را دارا می باشد و در عین حال، خلائی نیست مگر اینکه با برنامه

های خود آن را پر کند؛ در آن کتاب آورديم که وظیفه فقیه و مرجعیت دینی در فتوا و بیان احکام شرعی خلاصه نمی شود بلکه دو وظیفه دیگر را در راستای مرجعیت خود دارا می باشد:

۱- قضاوت و حل و فصل خصومات بین افراد.

۲- اداره و سرپرستی امور جامعه.

و در ادامه به بیان استدلال و تبیین خطوط کلی این وظایف و ذکر ادله در صدد بیان این دیدگاه برآمدیم. برای اطلاع کامل از این دیدگاه و ادله ی آن باید به کتاب مذکور مراجعه شود.

ویژگی های رهبری دینی

۱- امکان گفتگوی آزاد، برای جلب اعتماد و اقناع (به مسأله ۳۰ و مسأله ۳۱ ص ۲۸ از جلد اول رساله عملیه سبل السلام مراجعه شود) این یکی از راهکارهای قرآنی می باشد که در آیه مبارکه: (لا اکراه فی الدین)^۴ و در آیه: (ادفع بالتي هي أحسن فإذا الذي بينك وبينه عداوة كأنه ولي حميم)^۵ [بدی دیگران را] به شیوه ای که نیکوتر است دور کن که [اگر چنین کنی] آنگاه آن که میان تو و او دشمنی است همچون دوستی نزدیک و مهربان گردد. بدان اشاره شده است.

۲- جهان شمولی، از آنجایی که دین مبین اسلام دین جهانی و برای تمام بشریت آمده است و ناظر به هدایت تمام انسان ها است و خداوند متعال پیامبر اکرم (ص) را خطاب می کند: (و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین)^۶ و نیز سخنان گهربار امام علی (ع) در نامه ای که به مالک اشتر، زمانی که او را به ولایت مصر منصوب کرد نوشت: (و أشعر قلبک الرحمة للرحمة فانهم صنفان، أما أخ لك فی الدین أو نظیر لك فی الخلق)^۷ مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. زیرا مردم دو دسته اند، دسته ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می باشند. در این صنف از آیات و روایات نحوه تعامل با جهان و نوع نگاه به دیگر ادیان و مذاهب و انسان بما هو انسان بیان گردیده است.

۳- جامع نگری، اعتقاد و باور بر این است که دین اسلام تمام شئون زندگی انسان را پوشش می دهد و می توان با ارجاع مسائل جزئی و امور جدید به نصوص شرعی و اصول و قواعد عام، احکام آنها را استنباط و استخراج کرد؛ مراد از جامع نگری این است که، دین اسلام این نقش را برای فقیه تعیین نموده است و مسئول ارجاع مسائل به اصول کلی را بر عهده فقیه قرار داده است فقیه از این جهت باید تمام

^۴ - سوره بقره آیه ۲۵۵.

^۵ - سوره فصلت آیه ۳۴.

^۶ - سوره انبیاء آیه ۱۰۷.

^۷ - نهج البلاغه نامه ۵۳.

امور و شئون زندگی را مورد توجه و نظر قرار دهد و احکام و تکالیفی که بتواند جوابگوی نیازهای بشر امروزی باشد را صادر کند و مشکلات فردی و اجتماعی را علاج کند.^{۵۸}

۴- اصول گرایی و اصول مداری، مرجعیت دینی پایبند اصول انسانی و اخلاقی است و به دیدگاهی که می گوید: وسیله هدف را توجیه می کند، ایمان و باور ندارد و برای رسیدن به اهداف هر چند اهداف عالی، اما از اصولی که به آن ایمان دارد تجاوز نمی کند و بخاطر هدف، اخلاق را زیر پا نمی نهد، و گفته سیاستمدارانی که می گویند: دوستی و دشمنی ثابت و استواری وجود ندارد و دوستی و دشمنی دایر مدار مصالح و منافع هست و آنچه که اصل و حقیقت می باشد مصلحت است که اصلی ثابت و استوار می باشد؛ را در گفتار و کردار خود مردود و مخدوش دانسته اند. در حقیقت باید گفت که اصول و موازین ثابتی وجود دارد که نمی توان آنها را زیر پا نهاد و فدای مصالح کرد؛ و گفته می شود که اخلاق مطلق است نه نسبی.

۵- شفاف بودن در تعامل، از آنجایی که مرجعیت شیعه از پایگاه و جایگاه مهم و با ارزشی در جامعه دارند لذا همیشه در تعامل با مردم اصل شفافیت را رعایت کند. در طول تاریخ این اصل را مدنظر داشته بود و اینگونه رفتار کرده است و هیچگونه فریب و نیرنگی را با مردم نداشته و ندارد.

۶- عزم جدی در اصلاح امور، و تاسیس ساختار اجتماعی متمدن، و دفاع از دولت مشروع و سازمان های مربوطه، که نظام اجتماعی را شکل می دهد و بر این باور هستیم که در سایه دین و رسالتی که از جانب خداوند برای بشر فرستاده شده، می توان جامعه ای پیشرفته و متمدن را ساخت، که تمام شئون آن را در بر بگیرد هرچند دین و فرامین آن، اصل اساسی در پیمودن راه کمال فردی و اجتماعی است. اما مرجعیت شیعه در شرایط خاص و ویژه از باب اضطرار با تمام توان برای حفظ نظام و ساختار اجتماعی و سیاسی دفاع می کند، هر چند که بر اساس دین مبین اسلام نباشد، و از حقوق و امتیازات خود در این راه می گذرد. برای اطلاع کامل مراجعه شود به: (مسأله ۲۹ جلد اول سبل السلام).

احیاء نقش اتحادیه ها و اصناف در زنده نگهداشتن امت اسلامی

اصناف و اتحادیه ها می توانند نقش بسزایی در زندگی اجتماعی ایفا کنند و مسیر حرکت اجتماعی را سامان ببخشند و به آنها جهت دهی بدهند و چشم اندازها را معین کنند و در همان راستا سرعت ببخشند تجربه و سابقه ی راه اندازی تشکل های مدنی در برخی از کشورها، از قبیل اتحادیه مهندسان، وکلا، یا کارگران، یا کارگزاران فرهنگی، یا اقتصادی یا امور اجتماعی و از این قبیل از اصناف دارای نقش فعال و تاثیر گذار در جامعه را نشان می دهد و آثار مثبت فراوانی را در پی داشتند، پس نتیجه می

^{۵۸}- با توجه به این مسئولیت، آیت الله العظمی یعقوبی، در مشکلات و بحران های جهانی همچون مبارزه با بیماری ایدز و نیز مقابله با مصرف دخانیات اعلام موضع کرده و راه حل های مناسب با این معضلات را مورد اشاره قرار داده است.

گیریم که برخی کشورها که از چنین ساختاری برخوردار نیستند در بسیاری از راه کارهایی که در پیشبرد اهداف جامعه نقش بسزایی را ایفا می کنند، محروم هستند و به آنها رسیدگی نمی شود و کسی پیگیر آنها نمی شود همانگونه که در برخی از کشورها که حکام مستبد و دیکتاتور به هیچ جریان و حزب و صنفی اجازه اظهار نظر و یا گفتگو و یا انتقاد به ساختار را نمی دهند و صدایی غیر از صدای حاکمیت خود را بر نمی تابند و آنرا در نطفه خاموش می کنند؛ مگر نوایی که با او همنا شود^{۵۹}.

فصل سوم: تامین مالی و اقتصادی نهادهای مدنی

در ابتدا بطور کلی باید اشاره کرد که جایگاه کار و فعالیت های درآمدزا در منظومه معارف دینی کجاست و تا چه اندازه باید در اینگونه امور تلاش کرد و در چه زمینه هایی باید فعالیت کرد و آیا اولویت بندی خاصی مورد نظر شرع مقدس وجود دارد و دیگر پرسش های مطرح شده در این زمینه؛ که در مباحث بعدی به آنها اشاره ای کوتاه خواهد شد.

کار و کسب در اسلام

در کتاب شریف وسایل الشیعه، روایتی از امام صادق ع نقل شده، که امام ع فرمود: محمد بن منکدر (که یکی از دانشمندان اهل سنت است) می گفت: باور نداشتم علی بن الحسین فرزندی به یادگار گذارد که فضل و دانشش مانند خود او باشد تا اینکه پسرش محمد بن علی را دیدم، پس من خواستم او را موعظه کنم و اندرز دهم ولی او مرا موعظه کرد، اصحابش به او گفتند: به چه چیز تو را موعظه کرد؟ گفت: من در ساعتی که هوا بسیار گرم بود بسوی جایی از اطراف مدینه بیرون رفتم، و در راه به محمد بن علی برخوردم- و او مردی تنومند و فربه بود- دیدم بر دوش دو غلام سیاه خود یا دو تن از غلامانش

^{۵۹} - همانند دیکتاتوری صدام که همه اتحادیه ها و اصناف را مجبور به همراهی و همصدا با خود می کرد و فقط نهادها و تشکل های همسو و منفعل، مانند اتحادیه کارگران و اتحادیه زنان را، اجازه ظهور و بروز می داد.

پس از سقوط دیکتاتوری عراق، اتحادیه ها و اصناف همچنان بر همان حالت سابق ماندند، و شور و نشاط لازم را ندارند؛ و به موسساتی مهمل و بدون فایده تبدیل شده اند. اما آنچه که امروز مهم است اینکه، موسسات مدنی باید هویت خود را بار دیگر بدست آورند و آنچه را که به آنها محول و سپرده شده را بدوش گیرند و تجدید حیات دیگری بیابند و جامعه را با فعالیت و نشاط دوباره به سمت و سوی پیشرفت و ترقی سوق دهند، و آثار مثبت خود را به جامعه تزریق کنند. در مورد اینکه کیفیت کار و فعالیت این نهادها باید به چه شکل باشد باید گفت هر نهادی با توجه به تخصص و امر مورد تصدی خود باید زیر نظر و مجموعه، وزارت مربوطه قرار گیرد و در راستای هم و با هماهنگی های لازم به مشکلات جامعه سروسامان دهند؛ مثلاً اتحادیه پزشکان با وزارت بهداشت، اتحادیه مهندسان کشاورزی با وزارت کشاورزی باشد یا اینکه همه نهادها زیر نظر یک سازمان برتر باشد که خود سازمان برتر سازماندهی های لازم را مدیریت کند و از موازی کاری و بی برنامهگی جلوگیری بعمل آورد. آنچه که مهم است اینکه نهادهای مدنی با وظایف محوله آشنایی پیدا کنند و در ادامه به مسئولیت خود رسیدگی کنند وضع نابسامان کشور را با نشاط و همکاری و همیاری به مرحله مطلوب برسانند.

تکیه زده، من با خود گفتم: بزرگی از بزرگان قریش در این هوای گرم با این حال برای به دست آوردن مال دنیا بیرون آمده! هم اکنون او را موعظه خواهم کرد؟ پس نزدیک رفته بر او سلام کردم، و او هم چنان نفس زنان و عرق ریزان جواب سلام مرا داد، بدو گفتم: خدا کارت را اصلاح کند بزرگی از بزرگان قریش در این هوای گرم با این حال برای طلب دنیا بیرون آمده، اگر اکنون مرگ تو در رسد و در این حال باشی چه خواهی کرد؟ آن جناب (امام باقر ع) دست از دوش آن دو غلام برداشته روی پا ایستاده فرمود: بخدا اگر مرگ من در این حال فرا رسد در حالتی نزد من آمده که در حال فرمانبرداری و طاعت خداوند هستم، چرا که بدین وسیله نیازمندی خود و خانواده ام را از تو و از مردم دور می سازم. و جز این نیست که من آن گاه از مرگ می ترسم که بر من درآید و من در حال نافرمانی و معصیتی از معصیت های پروردگار بوده باشم. گوید: من که این پاسخ را از او شنیدم؛ گفتم: خدا تو را رحمت کند من می خواستم تو را موعظه کنم، اما شما مرا موعظه کردی.^{۶۰}

مفهوم کار و کسب و جایگاه آن در میان آموزه های دینی و در اذهان عموم به روشنی معلوم است چرا که از مفاهیم بدیهی است و آنرا یکی از امور عبادی و بندگی خداوند متعال دانسته، که بوسیله آن می توان برای خود و خانواده نیازهای زندگی را فراهم آورد و از دیگران بی نیاز شد، و نیز می توان از درآمدهای بدست آمده در راه خدا به نیازمندان و ایتم کمک کرد و برنامه های دینی و فرهنگی و خیری را راه اندازی کرد و بدین وسیله امر آخرت را سامان بخشید و رضای پروردگار را جلب کرد.

تجارت و کارهای آزاد، بهترین راه کسب و درآمد

باید با مطالعه و مراجعه به منابع و مجامع روایی ببینیم که چه راه و روش هایی برای کسب و تجارت مورد اشاره و سفارش قرار داده شده است سعی شده در این قسمت، به مواردی از این دست روایات، که به موضوع کسب و کار و تجارت از اولیای دین ع رسیده، اشاره شود؛ تا بتوان بهترین کارها را برای ارتزاق و امرار معاش در زندگی خود قرار دهیم و آنچه را که مورد سفارش و توصیه است عمل کنیم.

^{۶۰}- وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۲۰ باب استحباب طلب الرزق و وجوبه مع الضرورة ح ۱.

مَحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْمُكَدَّرِ كَانَ يَقُولُ مَا كُنْتُ أَظُنُّ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع يَدْعُ خَلْقاً أَفْضَلَ مِنْهُ حَتَّى رَأَيْتُ ابْنَهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعْطِيَهُ فَوَعِظَنِي فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ بِأَيِّ شَيْءٍ وَعَظَكَ فَقَالَ خَرَجْتُ إِلَى بَعْضِ نَوَاجِي الْمَدِينَةِ فِي سَاعَةِ حَارَةٍ فَلَقِينِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَ كَانَ رَجُلًا بَادِنًا ثَقِيلًا وَ هُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى غُلَامَيْنِ أَسْوَدَيْنِ أَوْ مَوْلَيْنِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي سُبْحَانَ اللَّهِ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلِيٍّ مِثْلَ هَذِهِ الْحَالَةِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا أَمَا لَا عِظَنَهُ فَدَنُوتُ مِنْهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ بَنَهْرٌ وَ هُوَ يَنْصَابُ عَرَقًا فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلِيٍّ هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا أَرَأَيْتَ لَوْ جَاءَ أَجْلُكَ وَ أَنْتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فَقَالَ لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَ أَنَا عَلَى هَذِهِ الْحَالِ جَاءَنِي وَ أَنَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَكُفُّ بِهَا نَفْسِي وَ عِيَالِي عَنْكَ وَ عَنِ النَّاسِ وَ إِنَّمَا كُنْتُ أَخَافُ لَوْ أَنَّ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَ أَنَا عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَقُلْتُ صَدَقْتَ يَرْحَمَكَ اللَّهُ أَرَدْتُ أَنْ أَعْظِكَ فَوَعِظْتَنِي.

با مراجعه به روایات ائمه معصوم ع و استقراء هر چند ناقص، می بینیم که به تجارت، بیش از راه های دیگر درآمدزا تاکید شده است در روایتی آمده است: (تسعة اعشار الرزق فی التجارة)^{۶۱}. نه دهم روزیها و ارزاق در تجارت است. و نیز در حدیثی از امام صادق ع نقل شده است که فرمود: (التجارة تزيد فی العقل)^{۶۲}. تجارت عقل را بیشتر می کند (می پروراند) از این جهت که فردی که تجارت می کند در طول فعالیت های خود تجربه و تخصص پیدا می کند و با تعامل با دیگران و درگیر شدن پخته می شود و در نتیجه راه و روش برخورد و تعامل را می آموزد و صفات و ویژگی های دیگر افراد را می شناسد.

در روایت صحیحی، امام صادق ع تجارت را به عنوان عزت و اقتدار شخص یاد کرد، نقل شده است که امام ع به یکی از غلامانش فرمود: (یا عبدالله احفظ عزک، قال: و ما عزی جعلت فداک؟ قال ع: غدوک الی سوقک و اکرامک نفسک)^{۶۳}. ای بنده ی خدا! عزت خود را حفظ کن. پرسید: فدایت شوم، چه چیز عزت من است؟ فرمود: به بازار رفتن در بامداد و خود را عزیز داشتن.

و در برخی از روایات دیگر از ترک تجارت برحذر کرده اند، در حدیث صحیحی فضیل ابن یسار می گوید: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي قَدْ كَفَفْتُ عَنِ التَّجَارَةِ وَ أُمْسَكْتُ عَنْهَا قَالَ وَ لِمَ ذَلِكَ أَعْزُّ بِكَ كَذَلِكَ تَذْهَبُ أَمْوَالُكُمْ لَا تَكْفُوا عَنِ التَّجَارَةِ وَ التَّمَسُّوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ^{۶۴}. می گوید: به امام ع عرض کردم، من از کار دست کشیدم و آنرا ترک کردم. امام ع فرمودند: چرا؟ آیا از کار ناتوان و عاجز شدی؟ از کار دست نکشید زیرا باعث تهی دستی شما می شود و (با کار و تجارت) فضل و بخشش خداوند را بطلبید.

امام صادق ع روزی در مورد یک شخصی که تجارت را رها کرده بود فرمود: (أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدِمَتْ عِيرٌ مِنَ الشَّامِ - فَاشْتَرَى مِنْهَا وَ اتَّجَرَ فَرَبِحَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنُهُ)^{۶۵}. مگر نمی داند که کاروانی از شام آمد و پیامبر (ص) از آن کالا خرید و با آنها تجارت کرد و سودی برد که با آن وام خود را پرداخت کرد.

با مراجعه به تاریخ می یابیم که برخی از اصحاب و پیروان خاص امامان معصوم ع دارایی های فراوان داشتند و به کارهای تجاری و اقتصادی مشغول بودند حتی عده ای از آنها دارای شرکت های به اصطلاح امروزه، سهامی داشتند از جمله می توان به برید عجلای اشاره کرد که از پیروان خاص امام باقر و امام صادق ع بود از طریق باجناق خود محمد ابن مسلم که از فقهای طراز اول، و از شاگردان بارز امام باقر و امام صادق ع بود خواست نامه ای را که حاوی سوال فقهی در مورد شرکتی که تاسیس کرده بود را به

^{۶۱} - وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۱۰؛ کتاب التجاره باب ۱ ح ۳.

^{۶۲} - وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۱۲؛ کتاب التجاره باب ۱ ح ۹.

^{۶۳} - وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۱۳؛ کتاب التجاره باب ۱ ح ۱۳.

^{۶۴} - وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۱۶؛ کتاب التجاره باب ۲ ح ۸.

^{۶۵} - وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۱۷؛ کتاب التجاره باب ۲ ح ۱۰.

روایت کامل: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَوْمًا وَ أَنَا عَنْهُ عَنْ مُعَاذِ بْنِ بَعَّازٍ الْكَرَابِيسِيِّ فَقِيلَ تَرَكَ التَّجَارَةَ فَقَالَ عَمَلُ الشَّيْطَانِ مِنْ تَرَكَ التَّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلَاثًا عَقْلُهُ أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدِمَتْ عِيرٌ مِنَ الشَّامِ - فَاشْتَرَى مِنْهَا وَ اتَّجَرَ فَرَبِحَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنُهُ.

امام صادق ع برساند، امام ع در جواب از آن نامه که در مورد منحل کردن (انحلال) شرکت بود نهی و منع کردند.^{۶۶}

و همچنین می توان به اهمیت کار و تجارت و جمع اوری ثروت برای اداره امور زندگی و اجتماعی نزد امامان معصوم ع به شاهد تاریخی اشاره کرد که در آن از سبب انحراف برخی از وکلای امام کاظم ع بعد از شهادت ایشان اشاره کرد که اموال هنگفتی را از امام ع در اختیار داشتند و از اینکه مبادا اموالی که در اختیار داشتند را از دست بدهند بر امامت امام کاظم ع توقف کردند و به واقفیه مشهور شدند و امامت امام رضا ع را قبول نکردند. لذا امامت امام رضا ع را انکار کردند و بر امامت امام کاظم ع باقی ماندن، مثلاً می توان به زیاد ابن مروان قندی اشاره کرد که هفتاد هزار دینار در اختیار داشت و نیز علی ابن ابی حمزه که سی هزار دینار از اموال امام ع را پیش خود داشت.

و نیز می توان به چاپلوسی و طمع علی ابن اسماعیل برادرزاده امام کاظم ع اشاره کرد که اخبار در مورد دارایی های هنگفت و بسیار امام کاظم ع را به نزد هارون الرشید می برد و او را از آنها با خبر می ساخت.^{۶۷}

همه این روایات و مویذات تاریخی اشاره ای مختصر و کوتاهی بود از اهتمام و تاکید ائمه ع به مسئله تجارت و داد و ستد، و تجارت را بهترین وسیله و روش برای درآمد افزایی به پیروان خود توصیه می کردند تا بتوان از این طریق جنبه ی دنیوی و اخروی زندگی را لحاظ و به آن سامان ببخشند.

روش امامان شیعه ع در کسب درآمد

با مطالعه در تاریخ زندگی و سیره اهل بیت ع می یابیم در برهه هایی از حیات مبارک آنان اموالی زیر نظر آنان وجود دارد که به انحاء مختلف و در راه های متفاوتی در آنها تصرف می کنند و نمی توان به قطع و یقین گفت که این دارایی از حقوق شرعی و وجوهات و امثال آن بدست آمده است بلکه با وجود قرائن و شواهد تاریخی می توان گفت که این اموال از راه های تجارت و داد و ستد مستقیم یا بطور غیر مستقیم امامان ع یا بوسیله پیروان و اصحاب خود، آنها را بدست آوردند. از جمله آن شواهد و قرائن می توان اشاره کرد به:

^{۶۶}- وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۱۶؛ کتاب التجاره باب ۲ ح ۹.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ كَانَ خَتَنَ بُرَيْدٍ الْعَجَلِي قَالَ بُرَيْدٌ لِمُحَمَّدٍ سَلْ لِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنْ شَيْءٍ أُرِيدُ أَنْ أَصْنَعَهُ إِنَّ لِلنَّاسِ فِي يَدَيَّ وَدَائِعَ وَ أَمْوَالاً وَ أَنَا أَتَقَلَّبُ فِيهَا وَ قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَتَخَلَّى مِنَ الدُّنْيَا وَ أَدْفَعُ إِلَى كُلِّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ قَالَ فَسَأَلَ مُحَمَّدٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ ذَلِكَ وَ خَبَرَهُ بِالْقِصَّةِ وَ قَالَ مَا تَرَى لَهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَ تَبِيدُ نَفْسَهُ بِالْحَرْبِ لَا وَ لَكِنْ يَأْخُذُ وَ يُعْطِي عَلَى اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ.

^{۶۷}- عيون أخبار الرضا عليه السلام ؛ ج ۱ ؛ ص ۷۲ .

فَقَالَ لَهُ عُنْدِي الْخَبَرُ وَ سَعَى بَعْمَهُ فَكَانَ مِنْ سِعَايَتِهِ أَنْ قَالَ مِنْ كَثَرَةِ الْمَالِ عِنْدَهُ أَنَّهُ اشْتَرَى ضَيْعَةً تُسَمَّى الْبُشْرِيَّةَ بِثَلَاثِينَ أَلْفَ دِينَارٍ فَلَمَّا أَحْضَرَ الْمَالَ قَالَ الْبَائِعُ لَا أُرِيدُ هَذَا النَّقْدَ أُرِيدُ نَقْدًا كَذَا وَ كَذَا فَأَمَرَ بِهَا فَصُبَّتْ فِي بَيْتٍ مَالِهِ وَ أَخْرَجَ مِنْهُ ثَلَاثِينَ أَلْفَ دِينَارٍ مِنْ ذَلِكَ النَّقْدِ وَ وَزَنَهُ فِي ثَمَنِ الضَّيْعَةِ.

۱- مجموعه روایاتی که در مجامع روایی ما وجود دارند حاکی این مطلب است که ائمه ع تا زمان حضرت امام جواد ع به خاطر وجود فضای خفقان، جو نا امن، بازرسی های مداوم از سوی حکومت های ظالم، از دریافت وجوهات شرعی امتناع می کردند. و در برخی از اخبار در شرح حال امام کاظم ع و خاندان ابوطالب آمده است که دوران سخت و طاقت فرسایی را در دوران حکومت هارون الرشید و برخی از حکام بنی العباس را گذراندند. امام کاظم ع در یکی از ملاقات های اجباری بدستور هارون، در صدد پاسخ به سوال های هارون که در مورد اموالی که از سوی برخی از شیعیان برای آنحضرت ع آورده می شود بود^{۶۸}. این سند تاریخی موید این مطلب است که امامان شیعه ع دارای اموال هنگفتی بودند که حکومت های معاصر آنها از وجود چنین امکاناتی احساس خطر می کردند و آنرا یک نوع تهدید می دانستند.

۲- امام کاظم ع زمان زیادی از دوران امامت خود را، که حدود چهارده سال را، در حبس و زندان هارون الرشید گذراند و هیچ گونه امکان ارتباط با دیگران و دریافت حقوق شرعی را نداشته است.

۳- وجود اخباری که می فرماید امام ع دارای اموالی است که نزد برخی از اصحاب که در خبر سابق، از آنها به عنوان قوام بمعنای قائم و مأمور به حفظ و بکارگیری و درآمدزایی از آنها یاد می شود، نگهداری می شود.

با ذکر این مقدمات باید گفت که این اموال و دارایی نمی تواند فقط از طریق حقوق و وجوهات شرعی بدست آمده باشد بلکه با تکیه بر برخی از اخبار و شواهد تاریخی می توان ادعا کرد که، این دارایی حاصل کار و تلاش در یک موسسه اقتصادی بزرگ که توسط خود امام ع راه اندازی و مدیریت می شد و یا با بکارگیری معتمدین از اصحاب و یاران، در آمدهای کلانی را بدست می آوردند و دارایی های بدست آمده را، برای اداره جامعه شیعه و یاران و اصحاب و خاندان خود، بکار می گرفتند. زیرا با صرف هدایا و حقوق و وجوهات شرعی امکان آن نبود که در عصر حکومت های طاغوت و ظالم، جامعه شیعه را از گزند خطرات و تهدیدات آنها، حفظ و نگاهبانی کرد.

انفاق عنصر زمینه ساز فعالیت سازمان های خیریه

تشویق به انفاق در راه خداوند متعال

با توجه به آیات کریمه قرآن و احادیث شریف اهل بیت ع در باب انفاق و صدقه در راه خداوند ، هر انسان متشرع و دینداری از این عنوان و موضوع مفهومی را در ذهن دارد و آن به دلیل کثرت و تکرار آن در قرآن و روایات است ما در اینجا به اجر و پاداش انفاق در قرآن اشاره و بسنده می کنیم.

خداوند متعال می فرماید که مقدار و اندازه اجر و ثواب انفاق کننده را کسی نمی داند مگر خداوند متعال: (مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِئَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ)^{۶۹}. مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می کنند ، مثل دانه ای است ، که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه ای صد دانه باشد خدا پاداش هر که را که بخواهد ، چند برابر می کند.

^{۶۸} - بحار الانوار ج ۴۸ ص ۱۲۲.

^{۶۹} - سوره بقره ۲۶۱.

و نیز: (و سارعوا الى مغفرة من ربكم و جنة عرضها السموات و الارض اعدت للمتقين. الذين ينفقون في السراء و الضراء)^{۷۰}. بر یکدیگر پیشی گیرید برای آمرزش پروردگار خویش و رسیدن به آن بهشت که، پهنایش به قدر همه آسمانها و زمین است و برای پرهیزگاران مهیا شده است. آن کسان که در توانگری و تنگدستی انفاق می کنند.

معنای انفاق

خداوند متعال از آنجایی که می داند که همه انسان ها توانایی انفاق را ندارند و یا اینکه از آن چیزهایی که به آنها روزی داده شده می بخشند و انفاق می کنند اما اجر و ثواب بیشتری را امید دارند و خداوند هم کسی را از فرصت بندگی و طاعت از باب لطف و کرم و عدالت، محروم نمی سازد، لذا خداوند کسانی را که سعی کنند واسطه ای باشند میان انفاق کننده، و بین مستحق و فقیر، به اندازه اجر انفاق کننده به آنها عطا می کند پس اینگونه نیست که فقط کسانی که قسمتی از اموالشان را به دیگران بدهند منفق هستند بلکه حتی کسانی که واسطه بین تهی دست و منفق هستند را می توان انفاق کننده بدانیم.

ممکن است سوالی در این خصوص مطرح شود و آن اینکه چگونه ممکن است که خداوند تبارک و تعالی به واسطه ی رساندن مال به مستحقین و به انفاق کننده ای که، برای بدست آوردن این مال تلاش و کوشش سخت و فراوانی را متحمل شده به یک میزان اجر و ثواب بدهد؟

می توان به چند صورت به این سوال پاسخ داد:

۱- خداوند متعال از آنجایی که کریم و لطیف است، از باب لطف و کرم بی پایان خودش می بخشد به طوری که در اجر و پاداش انفاق کننده هیچ کم و کاستی صورت نگیرد.

۲- مساوی بودن آنها در پاداش و اجر از جهت اصل پاداش بردن است نه در مقدار آن، و انفاق کننده اجر خاص و ویژه خودش را به عنوان منفق خواهد داشت و طبق آیه شریفه فوق الذکر، اجر مضاعفی را بدست می آورد.

۳- انفاق کننده علاوه بر پاداش خودش از انفاق، به اندازه اجر و ثواب واسطه ها هم، به او عطا می شود از این جهت که زمینه ی این کار پسندیده را او فراهم آورد، و طبق حدیث شریف که می فرماید: من سن سنة حسنة كان له اجرها و اجر من عمل بها الى يوم القيامة^{۷۱}. برای هر کس که سنت پسندیده ای

۷۰- سوره آل عمران ۱۳۳ و ۱۳۴.

۷۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِيِّ جَمِيعاً عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَّاضٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْجِهَادِ سَنَةً أَمْ فَرِيضَةً فَقَالَ الْجِهَادُ ... وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ سَنَّ سَنَةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ. كلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ ه ق.

را پایه گذاری و تاسیس کرد همانند اجر و پاداش آن و هر کس که بدان عمل کند را به او می دهند، می باشد.

۴- وقتی چنین تعبیری را در متون روایی یافتیم، نباید شک و شبهه ای در خصوص آن مورد ایجاد شود؛ زیرا در حدیثی از پیامبر اکرم ص نقل شده است که فرمودند: من مشی بصدقة الی محتاج کان له کاجر صاحبها، من غیر ان ینقص من اجره شیء. هرکس صدقه ای را به فقیری برساند همانند اجر و پاداش پرداخت کننده آن بدون آنکه از اجر او کاسته شود به او داده می شود^{۷۲}. و نیز در روایتی دیگر آمده: لو ان الصدقة جرت علی یدی سبعین الف انسان کان اجر آخرهم مثل اجر اولهم^{۷۳}. اگر صدقه ای دست بدست شود و هفتاد هزار هزار دست را بپیماید پاداش و اجر آخرین دست مانند اولین دست می باشد.

مشکلات عصر ما، و راه حل ها

جوامع امروز دنیای ما از بیکاری در رنج و گرفتاری بسر می برد و بسیاری از افراد تحصیل کرده و دارای مدارک عالی تحصیلی و کارشناسی، اما در عین حال بیکار می باشند و از این حالت، خود آنان و نیز جامعه رنج می برند. این مشکل عوامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و حتی امنیتی دارد که در این مختصر در صدد بیان علل و عوامل بیکاری از این زاویه نیستیم. اما باید خاطر نشان کرد که همه حکومت ها از اینکه بتوانند همه افراد جامعه را برای موسسات و سازمان های دولتی جذب و استخدام کنند ناتوان هستند هرچند رسیدگی به اینگونه مشکلات از وظایف دولتها می باشد و با بکار گیری بخش هایی همچون کشاورزی، دامداری، صنعتی و دیگر بخش هایی که می توان در آن ایجاد اشتغال کرد زیرا فرصت های شغلی در برخی از زمینه ها بسیار زیاد می باشد اما وارد شدن در آنها زمان و هزینه اولیه می طلبد که دولتها بدلالی حاضر به ورود در چنین میدان ها نمی شوند هرچند که این بخش ها، خود نیز دارای مشکلات خاص خود می باشند.

اما آنچه که ما در این بخش در صدد بیان آن هستیم این امر می باشد که بسیاری از افراد جامعه که توانایی کار و اشتغال را دارند منتظر هستند که دولت و بخش های دولتی زمینه های کار و اشتغال را برایشان فراهم آورند با اینکه می دانیم که دولت در این خصوص محدود می باشد و اگر حجم خود را از آنچه که باید باشد بیشتر کند خود عامل بی کیفیتی و بی حاصلی را در کارهای دولتی ایجاد می کند که این خود

^{۷۲} - عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ - عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ الْأَكْلِ عَلَى الْجَنَابَةِ وَ قَالَ إِنَّهُ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ... وَ مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَلَهُ بِوِزْنِ كُلِّ دِرْهَمٍ مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ مِنْ نَعِيمِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ مَشَى بِصَدَقَةٍ إِلَى مُحْتَاجٍ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ صَاحِبِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْءٌ... . قَمِّي، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ ه ق.

^{۷۳} - میزان الحکمة: ۷۷/۵ ح ۱۰۵۸۸، ح ۱۰۵۹۰.

مشکلات را دوچندان می کند لذا باید این فرهنگ غلط و انتظار بیجا را از نگاه جامعه دور سازیم و فکر خود را برای ایجاد اشتغال و فرصت های کار در بخش های خصوصی بکار گیریم.

فعال کردن بخش خصوصی

باید گفت که بخش خصوصی مشکلات خاص خود را دارد و نباید گمان برد که خالی از مشکل و گرفتاری است اما باید در این خصوص مطالعه و بررسی های لازم، انجام شود تا بتوان مشکلات این بخش را شناسایی و در قدم بعد، رفع یا مهار کرد و بتوان افراد دارای استعداد برای وارد شدن در این عرصه را تشویق کرد و اطمینان داشته باشند که با مشکلات جدی روبرو نخواهند شد و می توانند در این زمینه موفقیت هایی را کسب و آنرا برای خود و جامعه به ارمغان آورند.

با ایجاد زمینه های اشتغال در بخش خصوصی می توان آثار و ثمرات هنگفتی را به جامعه آورد حضرت علی ع در نامه ای که به مالک اشتر هنگامی که او را به فرمانداری مصر منصوب کرد که معروف به عهدنامه مالک اشتر است در بخشی از آن آیین نامه حضرت به بخش خصوصی اشاره می فرماید و به فعال کردن این بخش اهتمام خاصی از کارگزاران خود می خواهد حضرت بعد از ذکر طبقات جامعه از بخش نظامی و اجرایی و قضایی و اداری نام می برد و در ادامه خاطر نشان می شود که این طبقات از جامعه کسانی نیستند که بستر ساز مشاغل و کارهای درآمد زا باشند بلکه اقشار دیگری از جامعه وجود دارند که قوام جامعه به آنهاست و روح نشاط و زندگی را در جامعه می دمند که دیگر طبقات با زمینه های ایجاد شده توسط آن گروه، به تکاپو و نشاط رسیدند. این طبقات در دیدگاه امام علی علیه السلام، عبارتند از: نظامیان، کشاورزان، قضات، کاتبان خاص و عام (هیأت وزیران و معاونان) کارمندان، بازرگانان، صاحبان صنعت و محرومان و ناتوانان. بی شک سرنوشت این طبقات در عینیت جامعه و حیات اجتماعی به یکدیگر وابسته هستند. حضرت می نویسد:

و اعلم أن الرعيّة طبقات لا یصلح بعضها الا ببعض و لا غنی ببعضها عن بعض^{۷۴}.

بدان که ملت طبقاتی هستند که صلاح برخی به برخی دیگر وابسته و بعضی قشرها از بعضی دیگر بی نیاز نمی باشند، به همین جهت قوام و ایستایی گروه هایی همچون نظامیان، کشاورزان، قضات، کاتبان خاص و عام، کارمندان، به دو طبقه بازرگان و صاحب صنعت می باشد. منشأ این وابستگی در عبارت زیر بطور فشرده بیان شده است.

و لا قوام لهم جميعا الا بالتجار وذوی الصناعات فیما یجتمعون من مرافقهم و یقیمونه من أسواقهم و یکفونهم من الترفق بأیدیهم ما لا یبلغه رفق غیرهم.

و کار این اقشار (سپاهیان، کشاورزان، قضات، عاملان و نویسندگان) استوار نشود جز با بازرگانان و صنعتگران که جمع می شوند و با سودی که بدست می آرند، بازارها را بر پا می دارند، و کار مردم را کفایت می کنند، در آنچه که دیگران مانند آن نتوانند.

^{۷۴} - نهج البلاغه نامه ۵۳.

این امر، یعنی بخش خصوصی و فعال کردن آن اهتمام خاص را می طلبد و همه بخش ها و همه افرادی که در این زمینه توانایی دارند و می توانند در فعال سازی آن شریک شوند همچون افرادی که توانایی فکری، در شناخت بسترهای مناسب و ثمر بخش، و افرادی که توانایی کار و فعالیت و ورود در عرصه های مشخص، و کسانی که از ثروت و دارایی بهره مند هستند و می توانند آن را برای ایجاد اشتغال و تاسیس مشاغل در بخش خصوصی، در اختیار دیگران بگذارند که هم خود و دیگران از درآمدهای حاصل از آن بهره مند شوند. پس برای فعال کردن این بخش همه آحاد و افراد جامعه باید دست بدست هم نهند و برای رفع گرفتاری ها و مشکلات، که کل جامعه از آن بهره مند می شود سهیم گردند و جامعه ای سعادتمند و با نشاط که در سایه آن زندگی سالمی را داشته باشند، بسازیم.

پیشرفت در سایه ی بخش خصوصی

برای ایجاد زندگی کریمانه و عزتمند باید در این راه قدم نهاد؛ یعنی بخش خصوصی را در جامعه و زندگی اجتماعی خود پیاده کرد؛ برای رسیدن به این مرحله، باید چند نکته را مد نظر قرار داد:

- ۱- ایجاد اشتغال و رفع مشکل بیکاری و داشتن آمار از افراد واجد شرایط کار و فعالیت.
- ۲- باید دانست که فعال کردن بخش خصوصی سهم بسزایی در پیشرفت جامعه ایجاد دارد و روشن است که فعالیت بخش خصوصی در زمینه اقتصاد و ثروت افروزی کمتر از بخش های دولتی نیست.
- ۳- فعال بودن بخش خصوصی، یعنی رفع بسیاری از فساد های مالی و اداری، که معمولاً دولت ها به دلیل وجود تجار و مفسدان اقتصادی و شرکت های پیمانکاری، همیشه از آن رنج می برند اما باید دانست که، با فعال کردن بخش خصوصی و سپردن کار به کاردان، می توان قسمتی از مشکلات را از این جهت حل کرد.
- ۴- باید برای فعال کردن بخش خصوصی، زمینه های آن را در کشورهای اسلامی ایجاد کرد تا بتوان بوسیله افراد و اتباع داخلی، آن را شروع و به فعلیت رساند زیرا اگر بدون زمینه سازی های لازم و مناسب با وضع موجود، این بخش فعال شود و هموطنان آن را به دست نگیرند، شرکت های برون مرزی زمینه کار و فعالیت را در این سرزمین بدون رقیب می بینند و بازار کار را بدست می گیرند و در نتیجه، پیامدهای منفی فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی زیادی را بدنبال خواهد داشت، پس باید فرزندان این سرزمین بتوانند خلأها را، با فعالیت و کارهای خود پر کنند و به اندازه ای که بتوان از آثار منفی و شوم فضای ایجاد شده را که بنام دهکده جهانی یا جهانی شدن ایجاد شده، جلوگیری بعمل آید.
- و باید بدانیم که رقابت ها در اینگونه زمینه ها در یک لحظه بوجود نمی آیند و صبر و حوصله می طلبد و همه باید در ایجاد زمینه های لازم دست در دست هم داد تا بتوان زمینه های مطلوب را برای فعال کردن بخش خصوصی ایجاد کرد.
- ۵- بسیاری از مردم در دست خود پول هایی دارند که بدون ثمر مانده اند و در چرخه اقتصادی قرار نگرفته اند و معمولاً بخاطر اینکه بتوانند از سود آنها بهره ببرند حاضر هستند که این اموال را در اختیار

شرکت هایی که در زمینه های اقتصادی فعالیت می کنند قرار دهند اما در بیشتر اوقات در دام شرکت های هرمی و جعلی و بعضاً موهوم می افتند و پول های خود را از دست می دهند، نهاد های مدنی که در زمینه های اقتصادی فعالیت می کنند باید فرصت هایی ایجاد کنند که مردم جایگزین و بدیلی برای آن شرکت های موهوم بیابند تا بتوانند با خاطری آسوده پول و دارایی های خود را برای فعالیت های اقتصادی بکار برند و از سود و بهره آنها استفاده های لازم را ببرند.

۶- با توجه به مشکلات مالی که کشورهای با نظام سرمایه داری، در این برهه اخیر پیدا کردند کارشناسانی برای مطالعه در نظامهای اقتصادی معین کردند که کدام یک از نظامات اقتصادی از مشکلات اخیر دچار آشفتگی نشد؛ در این بین، نظام اقتصادی اسلام را برترین آنها یافتند و رمز و راز خروج با سلامت این نظام از این تهدیدات و مشکلات را در روش و نحوه اداره اموال و دارایی ها دانستند و عمده دلیل را در عدم اعتماد بانکداری بر سودهای ربوی یافتند؛ بانکداری اسلامی بخاطر اینکه با سپرده گذاران با مشکل مواجهه نشود قبل از دریافت سپرده ها، زمینه های کار و فعالیت با سپرده ها را از قبل ایجاد می کنند و لازمه آن تاسیس شرکت های سرمایه گذاری با توانی بالا، که بتوانند سپرده ها را به سرمایه ای برای کار تبدیل کنند، قبل از ایجاد بانک می باشد و این خود یکی از ابزار مقابله با مشکلات تمدن امروز دنیای غرب می باشد.

۷- اقتصاد در یک جامعه بمثابه شاهرگ در یک بدن می باشد و هرکس که این شاهرگ را بدست گیرد در زمینه های دیگر زندگی اجتماعی اثرگذار خواهد بود چه در زمینه ی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و حتی دینی، لذا در سیره اهل بیت ع می بینیم که پیروان خود را به استقلال اقتصادی سوق می دادند تا بتوانند با داشتن سهم بسزایی در امور اقتصادی جامعه، در زمینه های دیگر اثرگذار باشند و بدین وسیله خدماتی را به جامعه اسلامی وارد آورند؛ در عین حال استقلال اقتصادی کرامت و آزادی عمل را، به ارمغان می آورد.

فصل چهارم: نهاد های مدنی تاسیس شده

با توجه به مشکلات فراوانی که کشور عراق را در خود غرق کرده است و سابقه طولانی حکومت های سلطه گر و استعماری و نیز دولت های مستبد و دیکتاتوری و آثار شوم آنها و صرف بیشتر بودجه کشور در امور نظامی و غافل ماندن و عدم توجه به دیگر امور مهم دینی و مذهبی، فرهنگی، تربیتی، آموزشی، اقتصادی و غیره، در طول سالیان گذشته، کشور عراق را به کشوری آشفته تبدیل کرده است و وجود عناصر بیگانه مشکلات را دو چندان کرده است اما با این وجود، افراد دل سوز و خیر خواه برای سروسامان دادن به کشور و رفع مشکلات، بیکار ننشسته و با تمام توان، خود را برای بهبود اوضاع و شرایط وقف کرده اند و در هر زمینه ای که خود را دارای اثر می بینند وارد می شوند و با تمام وجود به فعالیت می پردازند و برای سربلندی و سرافرازی کشور مسلمان عراق با تمام وجود به فعالیت می پردازند بدلیل اینکه این نوشتار در خصوص نهادهای مدنی گردآوری شده است لذا در خصوص این امر می پردازیم و فعالیت های صورت گرفته در این عرصه، یعنی راه اندازی و تاسیس و فعالیت نهاد های مدنی، مورد اشاره قرار می دهیم در ابتدا به برخی از نهادهایی که تا کنون تاسیس شد اشاره ای کوتاه می شود.

۱- انجمن و اتحادیه های ویژه بانوان

زنان در جوامع اسلامی بیشترین لطمه را با مواجهه دشمنان اسلام متحمل می شوند لذا جای آن دارد که به امور زنان توجه ویژه و شایسته ای صورت گیرد. فعالیت هایی که در خصوص بانوان صورت گرفته، در دو دسته قابل ذکر است:

یک: موسسه آموزشی علوم دینی الزهرا س.

دو: انجمن بنات المصطفی ص.

موسسه آموزشی علوم دینی الزهرا س

موسسه آموزشی علوم دینی الزهرا، مرکزی است که دارای شعب زیادی در استان های عراق می باشد این موسسه در صدد تربیت قشر عظیمی از زنان که واجد شرایط تحصیل هستند می باشد. برای تحول در نگرش و رفتار، تغییر در سبک زندگی، و واسطه ای برای تربیت نسلی جدید که بر اساس آموزه های دینی رشد و نمو پیدا کنند، تاسیس و راه اندازی شد. در این موسسه دوره های آموزشی که حاوی علوم حوزوی با سبکی جدید است را، و با توجه به اوضاع و شرایط زنان جامعه، در حال اجرا دارد.

برنامه و نظام آموزشی این موسسه بر اساس نظام آموزشی، موسسه آموزشی علوم دینی صدر تهیه شده است.^{۷۵}

این موسسه امید و آرزو دارد نسلی از این موسسه فارغ التحصیل شوند که در احکام ویژه زنان متخصص و مجتهد باشند و از آنجایی که زنان به امور مربوط به خود آگاه تر هستند می توانند با آن پیش فرض هایی که از خود دارند بهتر نصوص دینی را بفهمند و بر اساس آن احکام را بیان و استنباط کنند و این در راستای تخصصی کردن فقه، که بارها آن را مورد اشاره قرار دادیم و دیگران را به آن دعوت کردیم می باشد.

انجمن بنات المصطفی

برای فعالیت زنان در عرصه مسائل اجتماعی، تربیتی، فرهنگی، انجمن بنات المصطفی تاسیس شد این مرکز دارای شعب متعددی همچون انجمن فدک و انجمن امام جواد ع، در شهرهای گوناگون عراق می باشد این تشکل، آیین نامه ای در خصوص فعالیت خود تدوین کرده است و طبق آیین نامه مدون، برای تحقق چشم انداز خود حرکت می کند این آیین نامه بنام (ورقة عمل رابطة بنات المصطفی) و رهنمودهای ویژه ای در خصوص فعالیت زنان، در عرصه اجتماعی در کتابی بنام (دور المرأة فی بناء العراق الجديد) آوردیم. برای آشنایی بیشتر با فعالیت این مرکز می توان به این کتاب مراجعه کرد.

۲- کانون سادات علوی

در آداب و آموزه های دینی عناصر و شعایر گوناگونی وجود دارد که این شعایر مردم را به سمت دین و آموزه های ناب و اصیل اسلامی جذب، و از انحراف و گزروی مصون نگه می دارد مانند: بارگاه های اولیای دین، و نیز مجالس محرم و مناسبت ها و دیگر شعایر. از جمله اموری که تأثیر انکار ناپذیری بر مومنان دارد سادات علوی هستند که از شجره مبارکه امیر مومنان ع و صدیقه طاهره س بوجود آمده اند می باشد که این قشر نقش مثبت بسزایی در جامعه ایفا می کند. خداوند پاداش و اجر رسالت پیامبر اکرم ص را نیکی و مودت بر خویشان و ذریه پیامبر ص قرار داده است و فرمود: (قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی)^{۷۶}. بگو من بر انجام رسالت، مزدی از شما نمی خواهم مگر دوستی و مودت درباره خویشانم.

در کتاب های روایی روایات متعددی در خصوص خاندان و ذریه پیامبر خاتم ص وارد شده است و امامان شیعه ع پیروان خود را بر احترام و تکریم این شجره طیبه سفارش کرده اند در عین حال خاندان

^{۷۵} - برای آشنایی با نظام آموزشی موسسه آموزشی علوم دینی صدر، به کتاب (جامعة الصدر الدينية: الهوية و الانجازات) که در خصوص بیان و شرح نظام آموزشی این موسسه تالیف شده است مراجعه شود.

^{۷۶} - سوره شوری آیه ۲۳.

خود را، به تقوا و پایداری بر آموزه های دینی و تعالیم پیامبر اکرم ص توصیه کردند و اینکه از راه مستقیمی که پیامبر ص برای رشد و تعالی ترسیم نموده است غافل نشوند و بر همان راه استوار بمانند. در روایتی در این خصوص از امام رضا ع نقل شده است که حسین ابن خالد می گوید امام رضا ع فرمود:

النظر الى ذريتنا عبادة. قلت : النظر الى الائمة منكم او النظر الى ذرية النبي ص؟ فقال: بل النظر الى جميع ذرية النبي ص عبادة ما لم يفارقوا منهاجه و لم يتلوثوا بالمعاصي.^{۷۷}

فرمود: نگاه کردن به فرزندان ما عبادت است، گفتم: نگاه به آن فرزندانان که امامند، یا نگاه به فرزندان پیامبر ص؟

فرمود: بلکه نگاه به همه اولاد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبادت است تا وقتی که از راه و روش آن حضرت جدا نشده و به گناه آلوده نگشته باشند.

از آنجایی که سادات از جایگاه و منزلت اجتماعی بالایی برخوردارند؛ باید از این فرصت بخوبی استفاده شود و در راه اصلاح امور اجتماعی به بهترین نحو بهره برداری کرد. در برخی از مناطق دیده می شود که در مشکلات بزرگی اتفاق می افتد، و مراکز رسمی و دولتی از حل و رفع آنها عاجز می مانند، اما به دلیل وجود جایگاه اجتماعی سادات، بوسیله یک شخصیت از سادات علوی و واسطه گری او، مشکل را به سادگی حل می کند. پس باید این پایگاه اجتماعی گام های بلندی برای پیشبرد اهداف اسلامی بردارد و از این جایگاه به بهترین نحو بهره برداری کند.

دشمنان این جایگاه را دریافتند و برای اینکه این منزلت اجتماعی را متزلزل کنند و آنرا خنثی سازند از روش های گوناگونی برای مقابله با آن استفاده کردند از جمله می توان به چند نمونه بصورت مختصر اشاره کرد:

۱- حذف فیزیکی، از طریق قتل و زندان، و تحت حصار و نظر نیروهای امنیتی، و دیگر روش ها تا رابطه بین سادات و جامعه را قطع کنند و از فعالیت های ضد ظلم و فساد آنها، در امان بمانند.

۲- شبهه افکنی، بدین بیان که فرزندان فاطمه ع را نمی توان فرزند پیامبر ص خواند زیرا فرزند، آن است، که از راه فرزند ذکور امتداد داشته باشد و سادات از آن جهت که از طریق دختر پیامبر ص به او متصل می شوند، نمی توان آنها را فرزندان رسول خدا ص شمرد. امامان شیعه ع با تمام توان برای مقابله با این نقشه شوم دشمنان و شبهه افکنی های آنان مقاومت کردند و استدلال های متفاوت و متنوعی را برای اثبات اتصال سادات علوی به پیامبر ص بیان کردند. ما در کتاب (دور الائمة فی الحیاة الاسلامیة) به طور مفصل آنها را مطرح کردیم.

^{۷۷} - وسائل الشیعة: کتاب الحج، ابواب احکام العشرة، باب ۱۶۵ ح ۱.

تاسیس این مرکز در راستای احیای هر چه بیشتر و نهادینه کردن جایگاه و منزلت سادات علوی و پررنگ کردن نقش آن در جامعه می باشد تا بتوان در سایه آن اصلاحات اجتماعی لازم را داشته باشیم و از برکات آن استفاده کرد. بنا بر آمار منتشر شده تعداد سادات در تمام نقاط جهان به بیش از ۳۰ میلیون نفر می رسد پس می توان از این نیروی بزرگ، بهترین استفاده ها را در جهت فعالیت های گوناگون داشته باشیم.

۳- انجمن جامعین (دانشگاهیان)

این انجمن در راستای رونق بخشی به امور دانشگاه ها و دانشجویان و مطالبه حقوق دانشجویی اعم از امور تحصیلی، علمی و غیره تاسیس شد ، بدین جهت که، دانشگاه مرکز و مکان جمع شدن جوانان نخبه، با استعداد، با فکر و اندیشه می باشد و نیز از جهت آنکه دانشگاه خواستگاه تمدن سازی و مقابله با دیگر تمدن های منحط جهان می باشد باید مورد توجه فراوان قرار گیرد. این انجمن دانشجویان را به تحصیل و مطالعه و تحقیق تشویق می کند و علاوه بر دانش، اخلاق را از برنامه های مورد تأکید خود قرار داده و همراهی علم و عمل را برای ساختن جامعه لازم می داند و نیز خواستار دوری دانشگاه از تبدیل به مرکزی برای تشنجات و درگیری های سیاسی و حزبی می باشد و مکان سوء استفاده جریان های سیاسی نباشد. در عین حال از دانشگاهیان می خواهد که باید به امور کشور واقف باشند و خود را برای ورود به عرصه سازندگی و کار و تلاش آماده سازند اما از دخالت در امور سیاسی، که توانایی آنها را به تحلیل می برد و مانع از رسیدگی آنها به امور تحصیل شود، امتناع ورزند.

۴- اتحادیه مهندسين اسلامی

اقدام به راه اندازی اتحادیه مهندسين از میان مهندسان مومن و متعهد، کاردان و دلسوز تا بتوان عراق را دوباره به آبادانی و نشاط برگردانند پس از اینکه در برهه ای از جنگ و اشغال، به خرابه و ویرانه تبدیل شد. با این اتحادیه می توان سنگ بنای عراق جدید را پی ریزی کرد زیرا جامعه مهندسان، از مهمترین عوامل سازندگی در یک کشور می باشند و دولت می تواند با وجود آن، کشور را اداره کند زیرا چند وزارتخانه در کابینه دولت باید توسط مهندسان اداره شود.

این نهاد در بغداد و برخی از شهرهای عراق به راه اندازی شد و به نام (تجمع المهندسين الاسلامی) کار خود را شروع کردند جامعه مهندسين با این نهاد رونق دوباره ای گرفت و سازماندهی جدیدی بخود دید. این اتحادیه الگوی مناسبی است که دیگر اصناف به این نحو و ساختار در بیایند و اعتماد لازم را از جامعه کسب کنند تا بتوان در ساخت کشور سهم ویژه ای را به خود اختصاص دهند و در انتخابات کشور شرکت کنند و در صورت اعتماد کارهای عمرانی و سازمانی و ساختاری را بدست گیرند و عراق جدید را بسازند.

۴- سازمان کل نهادهای مدنی(همم)

تشکیل یک مرکز که همه سازمان و نهادهای مردمی را در خود جای دهد و بین خود، هماهنگی لازم را داشته باشند و هدفمند و با قدرت بتوانند به اهداف از پیش تعیین شده برسند نام این سازمان مرکزی تشکل های مدنی و مردم نهاد را (الهيئة المركزية لمنظمات المجتمع المدني-همم-) نهادند هدف از تاسیس این مرکز نظارت بر دیگر قوای کشور و دفاع از حقوق ملت و مطالبه آن از مراکز دولتی است و نیز سازندگی، رفاه اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و خدمت رسانی به جامعه و ملت اسلامی را داشته باشند این مرکز فعالانه در کشور به وظایف خود رسیدگی می کند و از رهنمودهای مرجعیت، در راستای رسیدن به اهداف خود تلاش می کند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه. ق.

کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ ه. ق.

قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام - تهران، نشر جهان، چاپ: اول، ۱۳۷۸ ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیة المرید - قم- مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم- مؤسسه آل البيت ع، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

جامعه شناسی سازمان های غیر دولتی زنان - معصومه صادقی آهنگر - سیده فاطمه محبی - چاپ اول ۱۳۸۸ - ناشر: روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.

سیره اقتصادی امام علی ع - سید رضا حسینی - تهران: کانون اندیشه جوان - ۱۳۸۲

جامعه شناسی سازمانها - دکتر آرین قلی پور - چاپ نهم: ۱۳۸۸ - سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

تاریخ الیعقوبی - احمد ابن ابی یعقوب بن جعفر ابن وهب - بیروت - دارصادر - بی تا.

پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله) - تهران: دنیای دانش، چاپ: چهارم، ۱۳۸۲ ش.

راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر (للاوندی) - ایران ؛ قم- دار الکتب، چاپ: اول، بی تا.

سيرة النبوة عبدالملك ابن هشام الحميري المعافري (٢١٨) - بيروت دار المعرفة - بی تا.

میزان الحکمه - محمد محمدی ری شهری - ناشر : سازمان چاپ و نشر دارالحديث - محل نشر : قم - تاریخ انتشار : ۱۳۸۶ - نوبت چاپ : هفتم.

سایت- www.maaref.porsemani.ir

hozeh-resalat.blogfa.com/post-1470.aspx- سرمایه اجتماعی و نقش نهادها.

www.rcs.ir

محمد ذاکر سروش - دین و جامعه مدنی - سایت خاوران.

شریف لک زائی - دوهفته نامه شرقیان.

قاسم کرباسیان- جامعه مدنی (Civil Society)- سایت پژوهشکده باقر العلوم ع.

گذاری بر مفهوم جامعه مدنی در برابر جامعه اسلامی - سایت راسخون <http://rasekhoon.net>.

کلیاتی راجع به حقوق شهروندی- تهیه کننده :احمد دستمالچیان - بهار اسفند ۹۰.

اصغر اسلامی تنها - ارتباطات برهانی بنیان فرهنگ و جامعه فاضله در علم مدنی فارابی- معرفت فرهنگی اجتماعی 16- سال چهارم، شماره چهارم، پیاپی ۱۶، پاییز ۱۳۹۲.

دایره المعارف دموکراسی - زیر نظر سیمور مارتین لیپست - ترجمه فارسی به سرپرستی: کامران فانی و نورالله مرادی - ناشر کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه - ۱۳۸۵.